

Constructing the Theory of Ethical Governance Based on Nahj al-Balagha

Masoud Shariati¹

Type of article: Research article

Received: 28/08/2024

Accepted: 14/12/2024

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.9/NO.4 (serial 34)/Winter 2025*37-86



DOI:10.1022034/SSJ.2024.103751

Abstract

Background and Objective: Governance structures play a critical role in the advancement and development of societies. The absence or weakness of indigenous theorizing and modeling in governance, along with the application of incompatible governance models without considering their philosophical and intellectual underpinnings, or modeling based on unfamiliar frameworks at odds with a society's ethos, often leads to state inefficiency and decline. This study aims to uncover the theory of governance within the revered text of *Nahj al-Balagha*.

Methodology: This qualitative research employs a philosophical-jurisprudential approach. The philosophical-jurisprudential method, rooted in Islamic epistemology, develops human and social sciences by employing both philosophical reasoning and jurisprudential methodology. Data were extracted through coding from the text of *Nahj al-Balagha* and presented in a table of themes. The validity of these themes was established through in-depth, text-oriented analysis and comparison with other texts.

Findings: The ethical governance model is built upon a moral foundation encompassing three pillars of governance: citizens, government officials, and the governance system (policy-making and execution). The cornerstone of ethical governance is the formation of ethical individuals. In this model, individuals take roles as citizens, social activists, or government officials. Imam Ali (AS) describes these roles and their detailed characteristics in various parts of *Nahj al-Balagha*. The third dimension of this governance model institutionalizes governance beyond the individual level, focusing on the nature of policymaking and the operational structure.

Conclusion: Themes derived from *Nahj al-Balagha* outline two governance models: the ideal (Alawite) and the undesirable (Umayyad and corrupt). Using the philosophical-jurisprudential approach, these two models can be conceptualized as the realized model (corrupt governance) and the ideal model (ethical governance). From the perspective of Imam Ali (AS) and Prophetic Islam, ethics is not a superficial aspect but the essence of governance, regulating relationships between citizens and rulers.

Keywords: Ethical Governance, Alawite Governance, Umayyad Governance, Nahj al-Balagh.

1. Assistant Professor, Department of Human Resource Management, Faculty of Management, Amin Comprehensive University of Police Sciences, Tehran, Iran, masoud_shariati@atu.ac.ir

ساخت نظریه حکمرانی اخلاقی بر اساس نهج البلاغه

مسعود شریعتی^۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال نهم/ شماره ۴ (پیاپی ۳۴) - زمستان ۱۴۰۳* ۳۷-۸۶



DOI:10.1022034/SSJ.2024.103751

چکیده

زمینه و هدف: ساختار حکمرانی در تعالی و توسعه جوامع حائز اهمیت بسیار است؛ از آن رو که فقدان و ضعف نظریه پردازی و الگوسازی بومی در عرصه حکمرانی و به کارگیری الگوهای حکمرانی غیر هم سنخ، بدون توجه به زیرساخت های فلسفی و فکری آن و یا الگوسازی بر مبنای مفروضات و الگوواره های نامأنوس با خلیات جامعه و گاه متعارض با روح تاریخی - فرهنگی اجتماع، بستر ناکارآمدی و انحطاط دولتها را فراهم می کند. هدف این پژوهش کشف نظریه حکمرانی در کتاب شریف نهج البلاغه است.

روش: این پژوهش کیفی است و در آن، از رویکرد حکمی - اجتهادی استفاده شده است. راهبرد (روش) حکمی - اجتهادی که با کمک روش شناسی اسلامی به تولید علوم انسانی و اجتماعی می پردازد، هم در بعد حکمی و استدلالی و هم در بعد اجتهادی، اسلامی است. داده ها با کدگذاری از متن کتاب نهج البلاغه استخراج و در قالب جدول مضامین ارائه شده و برای اعتباریابی مضامین کشف شده از روش ژرف کاوی متن محور (مقابل و مقایسه مضامین با متون) بهره گرفته شده است.

یافته ها: الگوی حکمرانی اخلاقی بر پایه ساخت اخلاقی شامل سه رکن حکمرانی - یعنی شهروندان، کارگزاران حکومتی و ساخت نظام حکمرانی (سیاست گذاری و اجرا) - است. بی شک، بن مایه شکل گیری حکمرانی اخلاقی، ساخت انسان اخلاقی است. در الگوی حکمرانی اخلاقی، این انسان گاه در نقش یک فرد و شهروند و گاه یک فعال اجتماعی و کارگزار حکومتی حضور دارد. امام علی (ع) در فرازهای فراوانی از نهج البلاغه این دو ساحت را با ویژگی های جزئی آن توصیف کرده است. ساحت سوم در الگوی حکمرانی اخلاقی، ناظر بر رسمیت بخشیدن به جریان حکمرانی فراتر از سطح فرد است. این سطح ناظر بر ماهیت خط مشی گذاری و ساختار اجرایی است.

نتیجه گیری: مضامین به دست آمده از متن نهج البلاغه، دو الگوی حکمرانی مطلوب (علوی) و نامطلوب (اموی و سوء) را ترسیم می کند. براساس رویکرد حکمی - اجتهادی، این دو نوع حکمرانی را می توان به عنوان الگوی محقق (حکمرانی سوء) و الگوی مطلوب (حکمرانی اخلاقی) تصور نمود. از نگاه امام علی (ع) و اسلام نبوی، اخلاق امری کلیشه ای نیست بلکه اساس و متن حکمرانی است و ماهیت این حکمرانی، حاکی از نقش اخلاقیات در تنظیم گری روابط بین شهروندان و حاکمان است.

واژگان کلیدی: حکمرانی اخلاقی، حکمرانی علوی، حکمرانی اموی، نهج البلاغه.

۱. استادیار گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

واژه حکمرانی پلی بین نظر و عمل مدیریت و اداره امور عمومی ایجاد کرده است. استعداد و توان این واژه و کثرت کاربرد آن در حوزه‌های مختلف دانشی باعث شده است تا این واژه، در عین دارابودن ابهاماتی در تعریف، از آشنایی غریب‌نما (سهل ممتنع) برای محققان و اندیشمندان برخوردار باشد. در دهه اخیر، اقبالی شورانگیز در بین دانشمندان علوم انسانی و فنی برای تبیین ابعاد این واژه به وجود آمده است و سازمان‌ها، نهادها و افراد زیادی با اهداف و معرفت‌های مختلف به کنکاش در وجوه آن پرداخته‌اند. موقعیت حکمرانی باتوجه به نقش و مسئولیت‌های آن، روز به روز در حال چالشی شدن است؛ بنابراین، مدیران برای انجام نقش‌های خود، نیازمند کسب مهارت‌های به روز هستند (سبزی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۶۱).

یکی از استوانه‌های مهم حکمرانی، اخلاقیات است. اخلاق فقط محدود به حوزه روابط انسانی نمی‌شود؛ بلکه آموزه‌های اخلاقی در تنظیم و تسهیل روابط انسانی و حتی رابطه انسان با ماشین و محیط زیست نیز حضور جدی دارد. به طور کلی، اخلاقیات مقوله‌ای فراخ‌میدان و پیرامنه است که تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، انسانی، امنیتی، سیاسی و حکومتی (اسکوفیلد^۱، ۲۰۰۶ و ویکاکسانا^۲، ۲۰۱۹)، فرهنگی (چن^۳ و همکاران، ۲۰۱۶)، فن‌آوری (جانسون^۴، ۲۰۰۵)، محیطی - جغرافیایی (هن^۵ و همکاران، ۲۰۱۹)، اخلاق زیستی (انگلهارت^۶ و همکاران، ۲۰۱۶) سازمانی (بریکلی^۷ و همکاران، ۲۰۰۵) را دربرمی‌گیرد و درواقع، هیچ حوزه‌ای از کنش انسانی، فارغ از آموزه‌های اخلاقی نیست. از نظر هوسمر^۸، اخلاق باید محور و مرکز تمامیت سازمان باشد نه امری جنبی و حاشیه‌ای. سایمون^۹ تأکید دارد که تصمیمات اداری در زمینه سازمانی،

1. Schofield
2. Wicaksana
3. Chang
4. Johnson
5. Han
6. Engelhardt
7. Brickley
8. Hosmer
9. Simon

همیشه دارای محتوای اخلاقی و امری محتوایی بوده است (هوسمر، ۱۹۹۴: ۱). شکل‌دهی به یک نظام اخلاقی صحیح و نهادینه‌شده در سطح آحاد جامعه، بزرگ‌ترین دستاورد یک نظام حکمرانی است. این نظام اخلاقی چنانچه به باور عمومی تبدیل‌شده باشد، می‌تواند نظام تصمیم‌گیری و ترجیحات فردی، اجتماعی و حکومتی را با کمترین هزینه در راستای خیر و منفعت عمومی و سعادت بشری قرار دهد.

بحران‌های اخلاقی به‌وجودآمده در تمام سطوح اداره جهان، باعث شده است که لزوم رجعت دوباره به مفاهیم اخلاقی در سطح روشنفکران مطرح شود. این بستر، جایگاهی است که ادیان توحیدی می‌توانند نظریه‌ها، مفاهیم و معانی عمیق و کاربردی را به دنیا ارائه دهند. میدان عمل و اثر اخلاق در قرائت امروزی شامل سیاست، اقتصاد، مدیریت، حکمرانی و دیگر عرصه‌های حیات انسانی و زیستی است.

باتوجه به اهمیت و ضرورت مقوله حکومت و تأثیر آن بر سعادت بشر از یک‌سو و هزینه‌های مترتب‌بر نادیده‌نگاشتن آن بر روی جامعه و کل جهان پیرامون ازسوی دیگر، پیامبران الگوی جامعه (مدینه) آرمانی و الهی براساس آموزه‌های توحیدی را ترسیم نموده‌اند و در این میان، پیامبر اسلام به‌عنوان خاتم‌الانبیاء (ص) و ائمه‌معصومین (ع) به‌عنوان مفسران حقیقی اسلام، در موقعیت‌های متفاوت و از ابعاد مختلف، به تشریح حکمرانی متعالی و جامعه مطلوب اسلامی پرداخته‌اند.

در تحقق حکمرانی متعالی دینی، باید به سه بعد اخلاق حکمرانان و کارگزاران، اخلاق شهروندان و نظام اخلاقی حکمرانی به‌طورهم‌زمان نگرسته شود. در بحث اخلاق حکمرانی نبی اکرم (ص)، خداوند به خلق عظیم ایشان اشاره دارد و رسول اکرم (ص) هدف‌از بعثت خویش را اکمال اخلاق نیکو و مکارم اخلاق معرفی نموده است. قرآن کریم نیز یکی از ویژگی مهم اخلاقی پیامبر (ص) را که در حکمرانی ایشان متجلی بود، نرم‌خویی ایشان معرفی نموده است که باعث اعتماد و اطمینان شهروندان به ایشان و حکومتشان شده بود. همچنین، امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۳۴ درمورد وظایف و اهداف

حکومت اسلامی و نحوه تعامل مردم و حاکمان، به مصادیق اخلاقی مهمی اشاره نموده است؛ به طور مثال، همواره در رهنمودهای خالصانه نسبت به شما بکوشم و در تأمین رفاه در زندگی همگانی، تمامی وسایل ممکن را فراهم سازم و در تربیت و تعلیم همگان در سطح گسترده، کوتاه نیایم و در نظارت بر رفتار و کردار شما - بر نهج حق - پیوسته هوشیار و هشداردهنده باشم. نگاه حق مدارانه و تکلیف گرایانه تعاملی، بین دولتمردان و شهروندان و شهروندان با محیط و هم‌نوع خویش، از نوعی تربیت اخلاقی توحیدی سرچشمه می‌گیرد و می‌توان اوج آموزه‌های وحیانی اسلامی و سنت راستین اسلامی را در ژرفای کلام امیرالمؤمنین (ع) در همین خطبه کوتاه مشاهده کرد؛ که در آن، اوصاف و وظایف شهروند و شهریار اخلاقی را به کمال و به دقت بیان نموده است.

بدون وجود یک نظریه متقن، رواج یافتن برخورد سلیقه‌ای و تصمیمات مبتنی بر چانه‌زنی‌های جانبدارانه، می‌تواند به بی عدالتی و فساد انجامیده و کشور را به جای دستیابی به اهداف عالی خود، دچار رکود نموده و حتی رو به عقب سوق دهد (دری نوگورانی، ۱۴۰۱: ۷) از این رو، فقدان یک نظریه مناسب در حوزه اخلاق و حکمرانی و نیز ضعف در طراحی الگوهای بومی در این حوزه، می‌تواند امیدهای تمدنی یک جامعه را به در یوزگی، یأس و واگشتگی درون سیاست‌های رقیب و بیگانه تبدیل کند. نبود یک نظریه مناسب در حوزه اخلاق و حکمرانی می‌تواند تمام ارزش‌های دولتی (اعم از تولیدی، تنظیمی و توزیعی) را به شکست کشانده و باعث اعوجاج در اهداف و متناظر آن، پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی و نیز بروز آثار فاجعه‌بار در بلندمدت شود؛ بنابراین، نظریه حکمرانی اخلاقی دینی می‌تواند بدیل خوبی برای نظریه‌های حکمرانی موجود باشد. بر این اساس، می‌توان محیط اعمال حکمرانی را به سه بخش راهبردها، ساختارها و قوانین رفتاری حاکم بر حاکمان و شهروندان خلاصه نمود و بیشترین تمرکز مباحث موجود در ادبیات حکمرانی، بر بخش قوانین و ساختار سازمان‌ها و تاحدودی، اخلاق کارگزاران و دیوان‌سالاران است. باتوجه به رویکرد درون‌دینی این مقاله، امکان پرداختن به ابعاد دیگر مفهوم حکمرانی وجود دارد و هدف این پژوهش نیز کشف آنها در قالب الگوی حکمرانی اخلاقی از درون

متن شریف نهج البلاغه است و این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که الگوی حکمرانی اخلاقی در نهج البلاغه چگونه است؟

پیشینه

نورالهی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مولفه‌های حکمرانی اخلاقی در پرتو قرآن کریم» مهم‌ترین اصول اخلاقی در قرآن را به شرح ذیل شناسایی کرده‌اند: حاکمیت رابطه رحمانی، حاکمیت عدالت، رضایت عمومی، تخصص و تعهد، خردورزی، مشارکت عمومی، اصلاح و نظارت همگانی و شفافیت و پاسخ‌گویی برای حاکمان، اطاعت از حکومت اسلامی، همدلی با مردم، همدلی و کمک به حکومت برای مردم و در حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اداری، برائت از استکبار و حفظ عزت، توجه به معیشت، ایجاد اقتصاد سالم، اهمیت به خانواده، تعلیم و تربیت، قانون‌گذاری حق‌مدار و انتصابات شایسته.

شریعتی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی اخلاقی در بخش عمومی از دیدگاه نهج البلاغه» تأکید دارند که حکمرانان در اثر شناخت ماهیت مشاغل و شاغلین حوزه عمومی می‌توانند با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی علوی در بحث حکمرانی، به پیگیری اهداف حاکمیتی بپردازند و با معیار قراردادن شاخص‌هایی نظیر عدالت‌گستری، کسب رضایت عمومی، گرایش مشفقانه به عموم مردم، اصلاح روابط عمومی و از بین بردن کینه‌ها و عقده‌های اجتماعی، به تحقق رسالت آرمان‌شهر علوی مدد رسانند.

اردستانی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تشکیلات دولت اسلامی در دوران زمامداری امام علی (ع)»، حقوق زمامداران و کارگزاران نسبت به مردم را امری دوطرفه معرفی کرده است که شامل وفاداری به بیعت، حق اطاعت، حق بسیج عمومی در دفاع از اسلام و نیز حق سازمان‌دهی و بازرسی است.

قربانی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی اخلاقی براساس نوع‌شناسی طبقه نظامیان از دیدگاه نهج البلاغه» تأکید دارند که هسته اصلی نظریه حکمرانی علوی، ناظر بر نقش پررنگ اخلاق در حکمرانی جامعه است؛ فرآیندی که با شناخت هستی و انسان آغاز می‌شود و با تبیین کارکردهای گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه، آموزه‌های اصیل الهی را در

قالب اخلاقیات حکمرانی بیان می‌کند تا از رهگذر عمل به آنها، طبقات اجتماع، سازمان کارآمدی یافته و نقش سازنده خود را در سعادت جامعه ایفا کند. همچنین، این گزاره‌های اخلاقی در پی جهت‌دهی و اعتباربخشی به ساختارها و فرآیندهای کاری است که خیر عمومی را تضمین می‌کند.

عبداللهی دهکی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «شاخصه‌های اخلاقی مدیریتی کارگزاران نظام علوی و پیامدهای اجتماعی آن» تأکید داشتند که برخورداری از نیت الهی، داشتن هدف برای پذیرش تصدی، داشتن برنامه مناسب و نظم در اجرای آن، داشتن توکل به خدا، متقی بودن، خوش‌خلقی، پرهیز از غرور، صبری، پرهیز از طمع و مشورت‌پذیری، شاخصه‌های فردی مدیر حین و پیش از تصدی است.

باقری (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل محتوای وصایای امام‌علی(ع) به فرزندان خود در نهج‌البلاغه» محتوای اصلی وصایای حضرت را در چهار حوزه اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی جمع‌بندی کرده‌است. امام‌علی(ع) در وصایای اخلاقی، دعا را عاملی برای صیقل جان و آرامش روح و رابطه بین انسان و خالق هستی معرفی کرده و در وصایای اعتقادی، به‌صورت ویژه به مسئله معاد پرداخته و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، آثار مختلف اعتقاد به آن را برشمرده‌اند. در وصایای اجتماعی به بررسی و تبیین جایگاه و اهمیت موضوع دوستی، معرفی آیین و آداب انتخاب دوست پرداخته و در وصایای اقتصادی نیز حقیقت و الگوی قناعت را ترسیم کرده‌اند تا فرزندان براساس آن، زندگی خویش را پایه‌ریزی کرده و در سایه آن، به عزت و سربلندی در دنیا و آخرت دست یابند.

دبستانی(۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «اولویت‌های اخلاقی نهج‌البلاغه در حوزه اخلاق اجتماعی» تأکید دارد که باوجوداینکه نهج‌البلاغه یک کتاب اخلاقی محض نیست ولی همانند نظام اخلاقی قرآن کریم، نسبت به سایر نظام‌های اخلاقی، از وسعت و گستردگی بیشتری برخوردار است؛ زیرا افزون براینکه انسان‌ها را در موارد فراوانی، به تزکیه و تهذیب نفس سفارش می‌کند و درباره تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، دستورکار اخلاقی دارد، روش‌های

تربیت اخلاق فردی و اجتماعی را نیز بیان کرده‌است. در نگاه امام‌علی(ع) سقوط یک جامعه، به خاطر سقوط هنجارهای اخلاقی و پیشرفت آن نیز به خاطر رعایت همین هنجارهاست.

حسینی(۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل اصول انسانی حاکم بر نبرد ازمنظر امیرالمؤمنین(ع) و مقایسه آن با عصر مدرن» به این نتیجه رسیده‌است که اسلام به مسئله جنگ، یک تصویر انسانی داده و آن را بر مبنای عدالت تحقق می‌بخشد؛ درحالی‌که نگاه غرب به این مسئله، نگاهی سلطه‌گرانه است. امام(ع) اصل کرامت انسان و مراعات اصول انسانی در جنگ را در جنگ‌های خود با دشمنان، هم به شکل نظری و هم در سیره عملی، آشکارا به نمایش گذاشته‌است.

رضائی(۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و اصول اخلاق اجتماعی ازدیدگاه نهج‌البلاغه» پس از بررسی پاره‌ای از اصول اخلاق اجتماعی ازجمله عام (مانند خدامحوری، نظارت‌محوری، اصلاح تدریجی جامعه، تزکیه و تربیت افراد جامعه و مانند آن) و از جنبه خاص (مانند تقوا، عدل، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن) پرداخته و از میان این اصول، اصل عدالت را به عنوان جامع‌ترین اصل پذیرفته و ارتباط آن با دیگر اصول را موردسنجش قرار داده‌است.

عارفی(۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «اعتماد اجتماعی در نهج‌البلاغه (عوامل و کارکردها)» عوامل اعتماد اجتماعی در نهج‌البلاغه را به سه دسته اعتماد عمودی و سه دسته اعتماد افقی تقسیم نموده‌است. عوامل اعتماد عمودی عبارت است از ۱. عملکرد حکومت با شاخص‌هایی چون قیام به وظایف قانونی و اجرای قانون، شایسته‌سالاری در توزیع مناصب و سمت‌ها، صداقت زمامداران و کارگزاران حکومتی و برابری و عدم تبعی؛ ۲. مشارکت مردم در انتخاب مقامات حکومت و مدیریت نظام سیاسی با شاخص‌هایی مانند مشارکت در گزینش زمامدار و رهبر حکومت، مشارکت در گزینش کارگزاران و مدیران حکومت و مشارکت در مدیریت نظام سیاسی؛ ۳. برداشت مردم از عملکرد حکومت (نگرش مثبت). عوامل اعتماد افقی نیز عبارت است از امنیت و

احساس امنیت در جامعه به‌ویژه در سه حوزه اقتصاد، سیاست و جان، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی و دین‌مداری.

حسین‌پور فشیان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «پژوهشی درباره اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه» تأکید کرده‌است که امام‌علی(ع) در خطبه‌ها و در سخنان حکمت‌آمیز خویش، کارگزاران خود را به رعایت عدل و انصاف، در نظر گرفتن حق، مدارا با مردم، احترام به حقوق دیگران، دادرسی مظلوم، اندازه نگه‌داشتن پیمان و ترجیح منافع مردم بر منافع خویش ترغیب می‌کند.

فرقانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «مؤلفه‌های حکمرانی بد در قرآن؛ مطالعه موردی: مؤلفه‌های حکمرانی فرعون در بیان قرآن» به تبیین الگوی حکمرانی ظالمانه (فرعون) و ضد توحیدی پرداخته و مقوله حکمرانی خوب را نوعی توطئه غربی می‌داند که در پی غربی‌سازی است.

رحمانی پاکدل (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «اصول اخلاقی مدیریت باتکیه بر گفتار امام‌علی(ع) در نهج البلاغه» تأکید نموده‌است که در خصوص تحقق حاکمیت اخلاق در سازمان، اصولی برای گزینش کارگزاران باید مورد توجه قرار گیرد که عبارت‌اند از معیارهای عقیدتی (توکل، ایمان، تقوا، عدم وابستگی به دنیا، مرگ‌باوری و ترس از مرگ)، معیارهای ماهوی (حسن سابقه، قدرت و توانایی، اصالت خانوادگی، سابقه دین‌مداری، نشاط کاری)، معیارهای تخصصی (تجربه کاری و پاک‌بودن، دانش و تخصص، آزمایش) و معیارهای ارزشی - اخلاقی (صداقت، شجاعت، قاطعیت و جدیت در امور).

پیروزی‌ها و همکاران (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیر اخلاق حاکمان و مدیران بر اخلاق شهروندان در شکل‌گیری عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه» بیان کرده‌اند که برای دستیابی به عدالت اجتماعی، در کنار هم قرار گرفتن تمامی عوامل عدالت که شامل تقوی، حاکم و کارگزاران عادل و همچنین، مردم عدالت‌خواه است، ضروری به نظر می‌رسد و از مهم‌ترین این عوامل، وجود حاکمان و کارگزارانی عادل است که از فضایل اخلاق فردی و مدیریتی بهره‌مند باشند.

محمدیان (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های وحیانی حکمروایی خوب با تکیه بر جامعیت دستورات الهی در قرآن»، کارآمدی دین در عرصه اجتماع و پاسخ‌گویی این کتاب مقدس به نیازهای بشر را بررسی کرده و با رویکردی درون‌دینی و البته تطبیقی، مفهوم حکمروایی و تبیین شاخصه‌های آن در قرآن را تعریف و برخی از گزاره‌های مدیریت قرآنی و حکمروایی اسلامی را استنباط و عرضه کرده‌است.

خاشعی و هرنندی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام‌علی (ع)»، ابعاد حکمرانی جامع را با رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا در ده بعد به شرح ذیل بیان کرده‌اند: ۱. فرایند؛ ۲. ساختار؛ ۳. شناخت و ارزش‌ها؛ ۴. قانون اساسی؛ ۵. سازمان و نهاد؛ ۶. مدیریت و عملکرد؛ ۷. سیاست‌گذاری؛ ۸. بخش؛ ۹. نیروهای بین‌المللی جهانی‌سازی؛ ۱۰. اخلاق پاسخ‌گویی و شفافیت.

فروزنده (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «اخلاق در جنگ از منظر امیرمومنان (ع)» صفاتی نظیر تنها برای رضای خدا جهاد کردن، برخورداری از ویژگی‌های دشمن‌شناسی و موقعیت‌شناسی، شجاعت و استقامت، توجه به حقوق رزمندگان، فرماندهان، دشمن، زخمی‌ها، حفظ اسرار نظامی، فرار نکردن از جبهه، حفظ اتحاد و همبستگی، رعایت حقوق غیرنظامیان و حقوق طبیعت و نیز حفظ حریم‌ها و حدود الهی را از حقوق جنگ برشمرده‌اند.

امریچ^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه بین پاسخ‌دهی و ارزشیابی: اخلاق و حکمرانی اخلاقی در علوم اجتماعی» بر لزوم بازاندیشی پیرامون هم‌جواری دو مفهوم مهم اخلاق و سیاست و نقد کلیشه‌های تنافر اخلاق و سیاست و حوزه‌های دیگر اجتماع تأکید کرده‌است.

سلمینن^۲ (۲۰۱۰) در کتاب «حکمرانی اخلاقی» در صدد تبیین نقش شهروندان در تعریف اصول حاکم بر حکمرانی اخلاقی و تعریف یک روش معنادار و عینی برای مطالعه موضوع حکمرانی اخلاقی است. نتایج این کتاب را

می‌توان در بهبود اخلاق سازمان‌های عمومی، آماده‌سازی طرح‌های قانونی و تدوین استانداردهای اخلاقی برای دولت و شهرداری‌ها به کار برد.

لیتونن^۱ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی اخلاقی ازمنظر شهروندان با رویکرد اخلاق مراقبتی» به تشریح ارزش‌های مدنظر بوروکرات‌های دولتی و شهروندان می‌پردازد. این تفکیک هوشمندانه باعث تولید فهم‌ها و بصیرت‌های کاربردی در فرآیند تحلیل نتایج می‌شود و درنهایت، برای ایجاد یک سازه ارتباطی برای کاهش دوگانگی در ارزش‌های این دو گروه، ایجاد و به‌کارگیری رویکرد اخلاقی، بسیار مهم ارزیابی شده و نسخه علاج این عارضه، توجه به آموزه‌های اخلاق مراقبتی دانسته شده‌است. سطح این رویکرد اخلاقی از نظر محقق، فقط حوزه فردی نیست بلکه باید به گستره وسیع امور عمومی و دولت نیز توسعه پیدا کند.

ماکری دیمترس^۲ (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مواجهه با معضلات اخلاقی در مدیریت دولتی: الزامات الگو» با اشاره به مطرح‌شدن امر اخلاقی و باطنی بعد از امور طبیعی و متافیزیکی، چنین نتیجه می‌گیرد که در حوزه مطالعات اداری نیز ابتدا امور ساختاری و مادی مطرح شده و سپس صیورورت تاریخی، ما را به بحث اخلاقیات و معنویات رسانده‌است؛ زیرا بسیاری از سؤالات و مشکلات ریشه در این امور دارد.

هوسمر^۳ (۱۹۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی راهبردی به‌عنوان مقوله مهم اخلاقی» به موضوع اخلاق در سطح شرکت و سازمان‌های تجاری می‌پردازد و بر این مهم تأکید می‌کند که موضوع اخلاقیات، محتوا و معنا را برای سازمان بازرگانی به ارمغان می‌آورد و ازاین‌رو، نمی‌توان آن را نادیده گرفت و باید در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مقوله اخلاقیات و شخصیت معنوی و مسئولیت اجتماعی - ارزشی سازمان را به‌دقت تبیین کرد تا سودآوری و حیات اقتصادی سازمان تضمین شود.

1. Lehtonen

2. Makrydemetres

3. Hosmer

بررسی پیشینه حاکی از آن است که شاخص حاکم بر پژوهش‌ها اغلب، حکمرانی خوب است و اخلاق در ذیل آن تعریف می‌شود و تاکنون، هیچ پژوهش کاملی که ارتباط اخلاق و حکمرانی را از منظر نهج‌البلاغه در سه بعد راهبردها، ساختار و رفتار بررسی کرده باشد، وجود ندارد. شباهت مفهوم حکمرانی اخلاقی با پژوهش‌های خارجی یک تشابه اسمی است؛ زیرا ارزش‌های اخلاقی مطرح شده در نهج‌البلاغه، خاستگاه وحیانی و دینی دارد نه صرف قرارداد اجتماعی؛ به عبارت دیگر، از بعد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی، تفاوت ماهوی بین حکمرانی اخلاقی از منظر امام‌علی(ع) با دیدگاه و رویکردهای معاصر در غرب وجود دارد. براین اساس، می‌توان ادعا نمود که خلأ الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر دین براساس شواهد به دست آمده از بررسی پیشینه پژوهش مشهود است که حاکی از تازگی موضوع پژوهش است. همچنین، عنوان حکمرانی اخلاقی در هیچ یک از پژوهش‌های داخلی به کار نرفته است و دایره این مفهوم، هم ناظر بر اخلاق حکمرانان است (که عمده پژوهش‌های انجام شده در نهج‌البلاغه بر روی این موضوع متمرکز شده‌اند) و هم بر حکمرانی اخلاقی (اخلاق به عنوان عاملی برای جهت بخشی به خط‌مشی‌ها و تعیین کننده ساختار حکمرانی اسلامی).

مبانی نظری

تعریف حکمرانی: تعریف‌های زیادی در مورد مفهوم حکمرانی از سوی اندیشمندان و مراکز بین‌المللی ارائه شده است. برخی از این تعریف‌ها ناظر بر روابط دولت و مردم، برخی ناظر بر ویژگی‌های مؤسسات و شراکت‌ها و برخی نیز به مباحث فراگیرتر نظیر ارزش‌ها و سنت‌ها پرداخته‌اند. حکمرانی نوین در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی در سیاست‌های مربوط به اعطای کمک‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (حیدری، ۱۴۰۳: ۱۶۸). بنا به تعریف بانک جهانی، حکمرانی فرآیندی است که از طریق آن، بازیگران دولتی و غیردولتی برای طراحی و اجرای سیاست‌ها در درون مجموعه‌ای از قوانین رسمی و غیررسمی که توسط قدرت شکل گرفته است، تعامل می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۱۷: ۳). این تعریف بر وجود هنجارها،

سنت‌ها و قوانین به‌عنوان محیط «فراحکمرانی» تأکید دارد و برای ارزیابی کشورها و دولت‌ها از نظر خوبی حکمرانی شاخص‌هایی را ارائه نموده‌است که عبارت‌اند از: صدادهی (حق اظهارنظر) و مسئولیت‌پذیری (پاسخ‌گو بودن)، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری، حاکمیت قانون (قانون‌مداری) و کنترل فساد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۲: ۱۶).

در تعریفی دیگر، حکمرانی ترکیبی از افراد، سیاست‌ها و فرآیندهایی است که برای اطمینان از رسیدن سازمان به یک یا چند رفتار مطلوب به کار گرفته می‌شوند (تادیسک^۱، ۲۰۰۸: ۶). در حالت کلی، حکمرانی می‌تواند برای معرفی تمام الگوهای راهبری به کار رود. این کاربرد کلی حکمرانی به نظریه‌پردازان کمک می‌کند تا تحلیل‌های انتزاعی ساخت نظم‌های اجتماعی، هماهنگی اجتماعی و تجارب اجتماعی را بدون توجه به بافتار آنها ارائه کنند؛ بنابراین، مفهوم حکمرانی، بیانگر مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرآیندها و نهادهایی است که به‌وسیله آنها به‌طور رسمی و غیررسمی به اداره فرآیند توسعه و رفع تعارضات پرداخته می‌شود (دباغ و جاسبی، ۱۳۸۵). از دیدگاه ندفر و^۲ (۲۰۰۷)، حکمرانی یک فرآیند بنیادی است که از طریق آن، زندگی و رؤیاهای شهروندان به‌طور جمعی توسط اصول و خط‌مشی‌های اصولی و سامان‌مند برای تحقق توانایی‌های بالقوه‌شان دنبال می‌شود و این فرآیند ترکیبی از رهبری مسئولانه و مشارکت عمومی روشن‌فکر است (اوبگاکي^۳ ۲۰۲۰: ۴۶).

به‌دلیل ابهام در مفهوم حکمرانی و تفاوت در دیدگاه‌های موجود، دستیابی به یک تعریف جامع و فراگیر سخت است. معنای حکمرانی هنوز وابسته به رویکرد، زمینه تحقیق، رشته و حوزه نظری آن است (یاسا و همکاران^۴، ۲۰۱۴). با توجه به تعریف‌های مختلف از حکمرانی، در این پژوهش، منظور ما عبارت است از تنظیم روابط گروهی، سازمانی و ساختاری براساس ارزش‌های حاکم بر

1. Todd Biske

2. Ndehfru

3. Ogbaki

4. Yasa, Albareda & Forberger

جامعه. حکمرانی سریان راهبردها و قوانین رفتاری و ساختاری در همه ساحت‌های جامعه است (خسروپناه، ۱۳۹۷). در این تعریف، ماهیت حکمرانی در تنظیم‌گری روابط در ابعاد انسانی و سازمانی خلاصه شده است.

تعریف اخلاق: واژه اخلاق در لغت به صفات نفسانی پایدار که قابل‌تحسین یا تقبیح باشند، اطلاق می‌شود؛ اما این واژه در اصطلاح، معانی دیگری نیز دارد که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

۱. صفات نفسانی قابل‌تحسین و تقبیح؛ اعم از پایدار و ناپایدار: این معنا عام‌تر از معنای لغوی است و مطابق آن، صبر یک ویژگی اخلاقی است؛ هرچند به‌صورت ملکه درنیامده باشد.

۲. صفات و کارهای قابل‌تحسین و تقبیح: این معنا از معنای قبلی نیز عام‌تر است و نه‌تنها شامل صفات نفسانی، بلکه شامل کارهایی که انجام می‌دهیم نیز می‌شود و به این معنا کارهای شخص را نیز جزء اخلاق وی محسوب می‌کنند.

۳. صفات و کارهای شایسته: اخلاق در این معنا از معنای قبلی خاص‌تر است و شامل صفات و کارهای ناپسند نمی‌شود و بدین معناست که ستم‌گری و خیانت در امانت را غیر اخلاقی می‌شمارند (مصباح، ۱۳۹۵: ۱۷).

تعریف حکمرانی اخلاقی: باتوجه‌به مباحث مربوط به حکمرانی و اخلاق، منظور از حکمرانی اخلاقی در پژوهش حاضر بدین شرح است: «حکمرانی اخلاقی فرآیندی است که تنظیم‌گر روابط فردی، گروهی، سازمانی و ساختاری براساس ارزش‌های حاکم بر جامعه است و بر راهبردها و قوانین رفتاری و ساختاری اثر می‌گذارد. حکمرانی اخلاقی با جهت‌دهی بر تصمیمات و ترجیحات سیاست‌گذاران، کارگزاران و شهروندان، در پی تحقق نظام مطلوب و تأمین سعادت و خیر عامه است».

روش‌شناسی

باتوجه‌به موضوع پژوهش حاضر که در حوزه مطالعات دینی (اسلامی) قرار می‌گیرد، از نظریه حکمی - اجتهادی به‌عنوان راهبرد اصلی پژوهش استفاده شده و با رجوع به نهج‌البلاغه، راهبردها، ساختار و قوانین رفتاری حاکم بر

حکمرانی استخراج شده است. منظور از الگوی حکمی، همان روش قیاسی است که مورد تأیید نصوص دینی و مبنای آن، بدیهیات است. داده‌ها به صورت اسنادی و فیش بردازی از نهج البلاغه جمع‌آوری و در قالب کدگذاری سه سطحی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. کدگذاری در قالب سه گام توصیفی، تفسیری و فراگیر انجام شده و در جدول ۱ نمونه‌ای از فرآیند کدگذاری ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه فرآیند کدگذاری

ردیف	متن	ترجمه	مضمون توصیفی	مضمون تفسیری	مضامین فراگیر
۱	وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الصَّفِيُّ - وَ أَمِينُهُ الرَّضِيُّ ص أَرْسَلَهُ بِجُودِ الْخَجَجِ وَ ظُهُورِ الْفَلَجِ وَ إِيضَاحِ الْمُنْهَجِ - قَبْلَ بَلْغِ الرِّسَالَةِ صَادِعاً بِهَا - وَ حَمَلَ عَلَى الْمَحْجَةِ دَالاً عَلَيْهَا - وَ أَقَامَ أَغْلَامَ الْإِهْتِدَاءِ وَ مَنَارَ الضِّيَاءِ - وَ جَعَلَ أُمْرَاسَ الْإِسْلَامِ مَتِينَةً - وَ غَرَى الْإِيمَانَ وَثِيقَةً . خطبه ۱۸۵ نهج البلاغه (صبحی الصالح)، صفحه ۲۷۰	گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده خدا و پیامبر برگزیده و امانت‌دار پسندیده اوست «درود خدا بر او و عترت او باد». خدا او را با حجت‌های الزام‌کننده و پیروزی آشکار و راه روشن فرستاد؛ پس رسالت خود را آشکارا رساند و مردم را به راه راست واداشت و آن را به همگان نشان داد و نشانه‌های هدایت را بر افراشت و چراغ‌های روشن را بر سر راه آدمیان گرفت، رشته‌های اسلام را استوار کرد و دستگیره‌های ایمان را محکم و پایدار کرد. خطبه ۱۸۵ ترجمه نهج البلاغه (دشتی)، صفحه ۳۵۹	نورانی کردن مردم	رشد انسان‌ها	اهداف حکمرانی پیامبر(ص)
۲	اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ - أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ - وَ لَا الْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ - وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ. خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه (صبحی الصالح)، صفحه ۱۸۹	بار خدایا! تو می‌دانی آنچه را انجام داده‌ام، برای دست یافتن به قدرت و خلافت و خواستن مال و ثروت پست این دنیا نبوده‌است، بلکه برای این بوده که نشانه‌های دین تو را به جای خود بازگردانیم. خطبه ۱۳۱ ترجمه شرح	نشانه‌های دین را به جای خود بازگرداندن	اقامه حق و عدل	اهداف حکمرانی علوی

ردیف	متن	ترجمه	مضمون توصیفی	مضمون تفسیری	مضامین فراگیر
		نهج البلاغه (ابن میثم)، ج ۳، صفحه ۲۷۰			

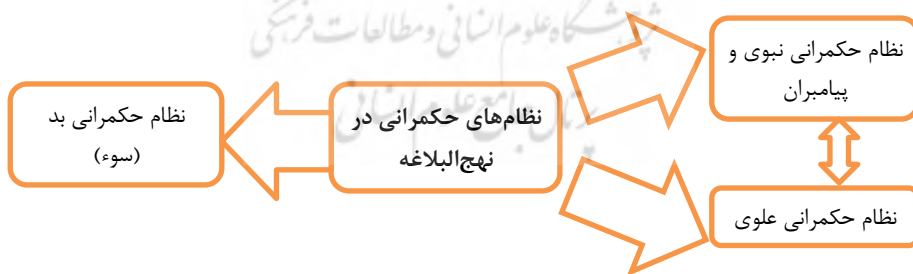
یافته‌ها

باتوجه به هدف اصلی پژوهش که عبارت است از شناخت و تبیین نظریه حکمرانی اخلاقی در نهج البلاغه، پژوهشگر براساس کدهای مستخرج از متن کتاب شریف نهج البلاغه، ابعاد مختلف حکمرانی اخلاقی را براساس پاسخ به پرسش‌های زیر تشریح کرده است:

پرسش اصلی: الگوی حکمرانی اخلاقی در نهج البلاغه چگونه است؟

پرسش فرعی: الگوی حکمرانی اخلاقی در نهج البلاغه واجد چه ویژگی‌های راهبردی، ساختاری و رفتاری است؟

در تبیین پرسش از نظام حکمرانی از دیدگاه نهج البلاغه، باید گفت که امام علی (ع) سه نوع حکمرانی را تشریح نموده است که عبارت‌اند از: نظام حکمرانی پیامبر (ص) و انبیا (ص)، نظام حکمرانی علوی، نظام حکمرانی سوء (بد). دو نظام حکمرانی نبوی و علوی به عنوان نظام مطلوب در یک سر طیف و نظام حکمرانی سوء به عنوان نظام ضد توحیدی در طیف مقابل معرفی شده‌اند. شکل ۱ بازنمایی انواع حکمرانی‌های تعریف شده در نهج البلاغه است.



شکل ۱. نظام‌های حکمرانی در نهج البلاغه

برای هر یک از نظام‌های فوق، داده‌های فراوانی از متن نهج البلاغه استخراج شده است که در قالب استعاره‌ها، ویژگی‌ها، اهداف، کارکردها، پیامدها، ویژگی‌های حکمرانی، صفات و ویژگی‌های حکمرانان به آن اشاره شده است.

امام علی (ع) در نهج البلاغه تصریح دارد که سنت حکمرانی ایشان همان سنت حکمرانی پیامبر اکرم (ص) است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنِ اتَّبَعْتُمُ الدَّاعِيَ لَكُمْ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَا جَ الرَّسُولِ: آگاه باشید اگر از امام خود پیروی می‌کردید، شمارا به راهی هدایت می‌کرد که رسول خدا (ص) رفته بود» (خطبه ۱۶۶). در این پژوهش، با جداسازی مفهوم حکمرانی علوی و نبوی سعی شده‌است تا ضمن تبیین نظریه حکمرانی اخلاقی، امکان مقایسه و تطبیق بین این دو حکمرانی که دو روی یک سکه هستند را فراهم سازیم.

الف. استعاره حکمرانی

«حکمرانی سوء» اصطلاحی است که برای یک نظام غیرتوحیدی و ظالم و غیر مردمی به کار رفته‌است که نماد عینی آن در عصر امام علی (ع) حکومت خلفای بنی‌امیه است و امام آنان را «ارباب سوء» و «إِمَامُ الرَّدَى» و «امیر فاجر» و «ذُولِ الضَّلَالِ» نامیده‌است: «وَإِئِمُّ اللَّهَ لَتَجِدَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ لَكُمْ أَرْبَابَ سُوءٍ بَعْدِي؛ به خدا سوگند بنی امیه بعد از من برای شما زمامداران بدی خواهند بود» (خطبه ۹۳) و «فَإِنَّهُ لَا سَوَاءَ إِمَامٍ الْهَدَى وَ إِمَامٍ الرَّدَى وَ وَلِيٍّ النَّبِيِّ وَ عَدُوٍّ النَّبِيِّ وَ لَقَدْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَ لَا مُشْرِكًا أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْمَعُهُ اللَّهُ بِشِرْكِهِ وَ لَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ الْجَنَانِ عَالِمِ اللِّسَانِ يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَفْعَلُ مَا تُنْكِرُونَ؛ امام هدایتگر و زمامدار گمراهی، هیچ‌گاه مساوی نخواهند بود؛ چنان‌که دوستان پیامبر (ص) و دشمنانش برابر نیستند. پیامبر اسلام (ص) به من فرمود: بر امت اسلام، نه از مؤمن و نه از مشرک هراسی ندارم؛ زیرا مؤمن را ایمانش بازداشته و مشرک را خداوند به جهت شرک او نابود می‌سازد. من بر شما از مرد منافقی می‌ترسم که درونی دوچهره و زبانی عالمانه دارد؛ گفتارش دلپسند و رفتارش زشت و ناپسند است» (نامه ۲۷) و «وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ؛ مردم ناگزیرند برای اداره امورشان، فرماندهی نیکوکار یا بدکار داشته باشند» (خطبه ۴۰ ابن میثم، ج ۲: ۲۱۸) و «عَزَبَ رَأْيُ امْرِئٍ تَخَلَّفَ عَنِّي مَا شَكَّكَتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ لَمْ يُوجِسْ مُوسَى ع خِيفَةً عَلَى نَفْسِهِ بَلْ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجَهَّالِ وَ ذُولِ الضَّلَالِ الْيَوْمَ تَوَاقَفْنَا عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ مَنْ وَثِقَ بِمَاءٍ لَمْ يَطْمَأْ؛ دور باد رأی

کسی که با من مخالفت کند! از روزی که حق به من نشان داده شد، هرگز در آن شک و تردید نکردم. کناره‌گیری من چونان کناره‌گیری حضرت موسی(ع) برابر ساحران است که بر خویش بیمناک نبود؛ ترس او برای این بود که مبادا جاهلان پیروز شده و دولت گمراهان حاکم گردد» (خطبه ۴). استعاره‌های که از سوی امام(ع) برای حکمرانی سوء به کار رفته‌است، بیانگر حقیقت آن نظام حکمرانی است. ایشان برای حکمرانی سوء، استعاره درفش گمراهی، سنگ سخت و نفوذناپذیر در برابر نور، شتر سرکش و شتر مهارگسیخته را به کار برده است که اشاره به ماهیت عصیانگرانه و ستم‌پیشگی حکومت دارد.

در مقابل «حکمرانی سوء»، اصطلاح «حکمرانی علوی» وجود دارد که از آن با عناوین «امیر برّ»، «إِمَامُ الْهُدَى» می‌توان یاد کرد. استعاره به کار رفته برای حکمرانی علوی، پاسبان خدا در زمین، محور سنگ آسیاب و نخ مهره‌های تسبیح است که باعث انسجام و امنیت در جامعه می‌شود. در مورد «حکمرانی نبوی» نیز حضرت علی(ع) استعاره باران بهاری و طبیب دوار را به کار برده‌است که ناظر بر حیات طیبه و رشد فضایل انسانی و تحقق کرامت انسانی است.

ب. اهداف و راهبردهای حکمرانی

نظام‌های حکمرانی را می‌توان بر مبنای اهداف و رسالت‌های آنها برای جامعه و مردم از یکدیگر تمایز بخشید. امام علی(ع) در نهج البلاغه با تشریح اهداف حکومت، سنت پیامبران و رسول اکرم(ص) را به عنوان سنت و قانون صحیح حکمرانی بر جوامع انسانی معرفی می‌کند. حکمرانی که با ابزار اخلاق کریمانه، به دنبال نورانی کردن انسان در تمام ساحت‌های حیات اجتماعی است، عزت‌بخشی به انسان را سرلوحه خود قرار داده‌است: «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الصَّافِي وَ أَمِينُهُ الرَّضِيُّ ص أَرْسَلَهُ بِوُجُوبِ الْحُجَجِ وَ ظُهُورِ الْفَلَاحِ وَ إِضَاحِ الْمُنْهَجِ فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِهَا وَ حَمَلَ عَلَى الْمَحْجَّةِ دَالّاً عَلَىهَا وَ أَقَامَ أَعْلَامَ الْإِهْتِدَاءِ وَ مَنَارَ الضِّيَاءِ وَ جَعَلَ أُمُرَاسَ الْإِسْلَامِ مَتِينَةً وَ عُرَى الْإِيمَانِ وَثِيقَةً؛ گواهی می‌دهم که محمد(ص) بنده و فرستاده خدا و پیامبر برگزیده و امانت‌دار پسندیده اوست. درود خدا بر او و عترت او باد. خدا او را با حجت‌های

الزام‌کننده و پیروزی آشکار و راه روشن فرستاد؛ پس رسالت خود را آشکارا رساند و مردم را به راه راست واداشت و آن را به همگان نشان داد و نشانه‌های هدایت را برافراشت و چراغ‌های روشن را بر سر راه آدمیان گرفت. رشته‌های اسلام را استوار کرد و دستگیره‌های ایمان را محکم و پایدار کرد» (خطبه ۱۸۵). پیامبر(ص) با حکمرانی الهی خویش و در پرتو نور رسالت الهی؛ وحدت و عزت و کرامت را به جامعه خود ارزانی داشت و در این راه با موانع رشد و نورانیت انسان‌ها مبارزه می‌کرد: «أَرْسَلَهُ بِالضِّيَاءِ وَقَدَّمَهُ فِي الْإِصْطِفَاءِ فَرَّتْ قَبْلَهُ الْمَقَاتِقُ؛ خدا پیامبر(ص) را با روشنائی اسلام فرستاد و در گزینش، او را بر همه مقدم داشت و با بعثت او شکاف‌ها را پر کرد» (خطبه ۲۱۳) و «فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ خَالِيَهُمْ فَالْزَمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتْ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنُهُمْ؛ پس آنگاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود» (خطبه ۱۹۲).

امام علی(ع) هدف حکومت خود را اقامه حق و عدل بر محور اسلام راستین که همان اسلام رسول اکرم(ص) بیان کرده است: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ وَلَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ؛ بار خدایا! تو می‌دانی آنچه را انجام داده‌ام، برای دست یافتن به قدرت و خلافت و خواستن مال و ثروت پست این دنیا نبوده، بلکه برای این بوده که نشانه‌های دین تو را به جای خود بازگردانیم» (خطبه ۱۳۱ ابن میثم، ج ۳: ۲۷۰). در همین راستا، در حکمرانی ایشان، اهدافی مانند رشد انسانی و فرهنگی، توسعه و آبادانی و رفاه عمومی و سلامت و امنیت جامعه به عنوان اولویت‌های اصلی مدنظر بوده است: «وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ؛ صلاح و آرامش را در شهرهایت برقرار سازیم تا بندگان ستم‌دیده تو ایمنی یابند» (خطبه ۱۳۱ ابن میثم، ج ۳: ۲۷۰) و «وَأَلْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي؛ و لباس امن و عافیت را از روی عدالت بر شما پوشاندم» (خطبه ۸۷ ابن میثم، ج ۲: ۶۳۱) و «إِذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِيِّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا؛ این فرمان بنده خدا علی امیرمؤمنان،

به مالک اشتر پسر حارث است؛ در عهدی که با او دارد؛ هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزینند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد» (نامه ۵۳) و «وَوَصَلَتْ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ؛ و کرامت و شخصیت به آنان بخشید» (خطبه ۱۹۲).

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، اهداف حکمرانی سوء را نیز به‌دقت تشریح نموده‌اند. این نوع حکمرانی در پی قلب ارزش‌های اصیل دینی و انسانی است و امور را به دوران جاهلیت و تاریکی بازمی‌گرداند: «وَأِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ فَأَزَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَى أَذْبَارِهَا؛ آنها از روی حسادت بر کسی که خداوند حکومت را به او بخشیده است، به طلب دنیا برخاسته‌اند؛ می‌خواهند کار را به گذشته بازگردانند» (خطبه ۱۶۹).

ج. کارکردهای حکمرانی

هر نظام حکمرانی دارای کارکردهای ویژه است که به‌نوعی حیات و دوام آن نظام حکمرانی را تضمین می‌کند و این کارکردها برابر رسالت و فلسفه وجودی و اهداف آن نظام حکمرانی تعیین می‌شود. در توصیف حکمرانی پیامبراکرم(ص) در نهج‌البلاغه به مضامین مهمی مانند رشددهندگی انسان‌ها و جامعه، اعتدال و عدالت در تمام ساحت‌های حیات اجتماعی، جهادی عمل کردن برای آزادی انسان‌ها و نیز حق‌گرا بودن در تمام امور تأکید شده‌است. این ارزش‌های الهی - انسانی جزو کارکردهای نظام حکمرانی نبوی است: «وَسُنَّتُهُ الرَّشْدُ؛ و روش زندگی او صحیح و پایدار» (خطبه ۹۴) و «وَوَصَّحَ لِلخَلْقِ... وَ هَدَى إِلَى الرَّشْدِ؛ و مردم را نصیحت فرمود... همه را به رستگاری هدایت» (خطبه ۴۰۹) و «وَوَدَّعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ با حکمت و موعظه نیک آنها را به‌سوی حق و حقیقت دعوت کرد» (خطبه ۹۵ ابن میثم، ج ۲: ۸۳۶) و «فَبَالَغَ صَفِي النَّصِيحَةِ؛ پیامبر(ص) بسیار مردم را نصیحت کرد» (خطبه ۹۵، ابن میثم، ج ۲: ۸۳۶).

امام علی(ع) کارکرد حکمرانی خود را در نامه‌ها و خطبه‌های مختلف برای والیان و مردم به شرح ذیل بیان کرده‌است: توحیدگرایی، هدایت‌گری، عدالت‌محوری، اعتدال‌گرایی، آخرت‌گرایی، خیر نهادی، توجه‌به قشر ضعیف

جامعه، سعادت‌مندی پرهیزگاران، نظام تصمیم‌گیری خردگرا، پناه مردم‌بودن، انسجام‌بخشی عمومی، بصیرت، مشارکت، پاسخ‌گوبودن، سازمان‌دهی، حسن ولایت، مردمی‌بودن و امنیت‌ساز، رفاه عمومی، جمع‌آوری و توزیع عادلانه ثروت، امنیت عمومی. آنچه در این مضامین، مهم جلوه می‌کند، تنیدگی این کارکردها با بحث اخلاقیات و ارزش‌های دینی و اعتقادی است. این نظام حکمرانی در مقابل ارزش‌های اخلاقی، موضع بی‌طرفی ندارد بلکه در پی تقویت بن‌مایه‌های اصیل ارزشی جامعه است که برآمده از دل سنت پیامبر(ص) و قرآن کریم است. امام علی(ع) در مورد لزوم اعتدال‌گرایی در حکمرانی و تأثیر آن در پایداری حکومت چنین می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ وَاجْمَعْهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْهِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنْ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ؛ دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد؛ که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند» (نامه ۵۳). همچنین، در مورد عدم ستمگری و عدالت‌محوری به‌عنوان رکن رکین حکمرانی اخلاقی خود می‌فرماید: «تَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وَلَّيْتُ عَلَيْهِ وَ اللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أَمْ نَجُمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا؛ آیا به من دستور می‌دهید که با ستم به کسی که فرمانروای او شده‌ام، پیروزی به دست آورم؟ به خدا سوگند تا روزگار افسانه بقا می‌سراید و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، دست به چنین کاری نمی‌زنم» (خطبه ۱۲۶ ترجمه (ابن میثم)، ج ۳: ۲۳۹).

در مقابل، در حکمرانی سوء، ارزش‌های اخلاقی در قربانگاه قدرت شیطانی به مسلخ می‌روند. کارکرد این نظام حکمرانی، ریشه در تفرعن، ظلمت و تاریکی، فریب و نیرنگ و دروغ و شر نهادی دارد. امام در توصیف ماهیت این نظام حکمرانی که بر مبنای کبر و غرور بنا نهاده شده‌است، می‌فرماید: «أَسْخَفَ حَالَاتِ الْوُلَاءِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَ يُوَضَّعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ؛ از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند

آنها دوستدار ستایش‌اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد» (خطبه ۲۱۶). همچنین، درمورد نوع سیاست‌گذاری در این حکمرانی، به مقوله فریب و حيله‌گری به‌عنوان یک اصل ریشه‌ای در آن نظام حکمرانی اشاره می‌کند؛ به‌طوری‌که راستی و صدق از کلیت نهادهای حکومتی رخت برمی‌بندد: «وَاللّٰهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَدْهَىٰ مِنِّي وَلَا كَيْفَهُ يَغْدِرُ وَلَا يَفْجُرُ؛ سوگند به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما معاویه حيله‌گر و جنایتکار است» (خطبه ۲۰۰) و «وَأَرَاكَ الصَّدُوقَ... وَفَاضَ الْكَذِبُ؛ راستی از میانشان رخت برمی‌بندد ... و دروغ فراوان می‌شود» (خطبه ۱۰۷).

د. ویژگی حکمرانان

در کنار ویژگی ساختاری حکمرانی در نهج‌البلاغه، اشارات فراوانی بر ویژگی شخصیتی و فردی حکمرانان از بعد اخلاقی شده‌است. در قاموس حکمرانی علوی، این انسان‌های خودساخته هستند که نظام و ساختار حکمرانی را در هر عصری تعیین می‌کنند؛ ازاین‌رو که ایشان می‌فرمایند: «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ؛ هرگاه اندیشه سلطان تغییر کند، زمانه دگرگون شود» (نامه ۳۱). براین‌اساس، تغییر و تحول در باطن و اندیشه‌های سلاطین، روزگار نو را برای مردم می‌سازد. مضامین مربوط به این بعد از حجم کمی و کیفی گسترده‌ای برخوردار است که ناظر بر اهمیت اخلاقیات انسان حاکم است. امام علی (ع) ویژگی‌ها و صفات اخلاقی خاصی را در دو بعد ایجابی و سلبی برای کسی که قرار است مقدرات یک جامعه را برعهده بگیرد، بیان کرده‌است. ایشان در بعد ایجابی ویژگی‌های زیر را بیان کرده‌اند: عبد خدا، توکل به خدا، ورع و تقوا، حق‌پذیری راستین، اطاعت‌پذیری، تابعیت قرآن و سنت پیامبر(ص)، راست‌گویی، مردم‌داری، عدالت‌محوری، دانایی و استحکام، شجاعت، بخشش، مؤمن، قبول انتقاد، صداقت در نیت، صبوری، امانت، خیرخواهی، اعتدال در رفتار با غیرمسلمانان، قاطع در برابر خائنان، فروتنی و نرم‌خویی، دوری از هوا و هوس، توجه به واجبات الهی، خودسازی، مشورت با خردمندان، پند و انداز دشمن، مجاهد نستوه، آخرت‌گرایی، قناعت، ساده‌زیستی، عمل به احتیاط و تقدیر از مردم. همچنین، ایشان درمورد ویژگی‌های اخلاقی کارگزار خود، محمد

بن ابوبکر، بر مجاهدت و خستگی ناپذیری او در راه دین اشاره می کند: «وُ مُحَمَّدٌ بَنُ أَبِي بَكْرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَدْ اسْتُشْهِدَ فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُهُ وَلَدًا نَاصِحًا وَ عَامِلًا كَادِحًا وَ سَيِّفًا قَاطِعًا وَ رُكْنًا دَافِعًا؛ در پیشگاه خداوند، او را فرزندی خیرخواه و کارگزاری کوشا و شمشیری برنده و ستونی بازدارنده می شماریم» (نامه ۳۵).

امام (ع) در بعد سلبی، ویژگی های ذیل را بیان کرده اند: بخیل نبودن، جاهل نبودن، ظالم نبودن، جفاکار نبودن، اهل رشوه نبودن، دوری از تکبر، خیانت کار نبودن، اهل عمل صالح بودن، فریب کار نبودن، غافل نبودن، عدم تمایل به مدح شدن، قساوت نداشتن، خائن نبودن، عیب جویی نکردن، دوری از سخن چینان، دوری از اهل باطل و دوری از فاسدان. امام (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر توصیه می کند که عیوب مردم را به عنوان یک حاکم بپوشاند و عیب جویان را از دستگاه حکومت خود دور کند: «وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبَهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ غُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَ اللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سَتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ؛ از رعیت، آنان را که عیب جوترند از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است؛ پس مبدا آنچه بر تو پنهان است، آشکار گردانی و آنچه هویدا است بپوشانی؛ که داوری در آنچه از تو پنهان است، با خدای جهان می باشد؛ پس چندان که می توانی زشتی ها را بپوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بپوشاند» (نامه ۵۳).

در نقطه مقابل، امام علی (ع) ویژگی حاکمان سوء و غیرتوحیدی را به شرح زیر بیان کرده است: اهل هوا و هوس بودن، اهل معصیت، تمایل به مدح شدن، شرور، پیمان شکن، گمراه، بی حیا، بدگوی، دنیادوستی، ستمگری، هوس باز، منافق، بی خرد، دروغ گو، شقی، غاصب، کافر، اهل شبه و اهل جنگ و نزاع. ایشان در نامه ۳۷ به صفات معاویه به عنوان پیشوای حکمرانی سوء، به هوس بازی و پیمان شکنی او اشاره دارد: «فَسُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ لُزُومَكَ لِلْأَهْوَاءِ الْمُتَبَدِّعَةِ وَ الْحَيْرَةِ الْمُتَّبِعَةِ مَعَ تَضْيِيعِ الْحَقَائِقِ وَ اطِّرَاحِ الْوُثَائِقِ الَّتِي هِيَ لِلَّهِ طَلَبَةٌ وَ عَلَى عِبَادِهِ حُجَّةٌ - فَأَمَّا إِكْثَارُكَ الْجِجَاجَ عَلَى عُثْمَانَ وَ قَتْلَتِهِ فَإِنَّكَ إِنَّمَا نَصَرْتَ

عُثْمَانُ حَيْثُ كَانَ النَّصْرُ لَكَ وَ خَذَلْتَهُ حَيْثُ كَانَ النَّصْرُ لَهُ وَ السَّلَامُ؛ خدای را سپاس! معاویه چه سخت به هوس‌های بدعت‌زا و سرگردانی پایدار، وابسته‌ای! حقیقت‌ها را تباه کرده و پیمان‌ها را شکسته‌ای! پیمان‌هایی که خواسته خدا و حجت خدا بر بندگان او بود؛ اما جواب پرگویی تو نسبت به عثمان و کشتندگان او آن است که تو عثمان را هنگامی یاری دادی که انتظار پیروزی او را داشتی و آنگاه که یاری تو به سود او بود، او را خوار گذاشتی» (نامه ۳۷). امام (ع) در مورد عمرو عاص که به‌عنوان مشاور و وزیر معاویه به او خدمت می‌کند، از تشبیه دنبال‌روی سگ از شیر استفاده می‌کند تا اوج دنیاطلبی ذیلانه او را نشان دهد: «فَاتَّبَعَتْ أَثَرَهُ وَ طَلَبَتْ فَضْلَهُ اتَّبَاعَ الْكَلْبِ لِلضَّرْغَامِ يَلُودُ بِمَخَالِبِهِ وَ يَنْتَظِرُ مَا يُلْقَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلٍ فَرِيَسْتِهِ فَأَذْهَبَتْ ذُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ؛ تو از پی چنین کسی رفتی و به بخشش او چشم طمع دوختی، مانند دنبال‌ه‌روی سگ از شیر، که به چنگال‌های او چشم دارد و منتظر است تا از پس‌مانده طعمه‌اش چیزی به‌سوی او بیندازد؛ پس دنیا و آخرت خود را به باد دادی (نامه ۳۹ ابن میثم، ج ۵: ۱۳۸).

هـ پیامدها و آثار حکمرانی

یکی از معیارهای ارزیابی نظام‌های حکمرانی، ارزشیابی پیامد و آثار بلندمدت آنها در ساحت‌های مختلف حیات اجتماعی است. امام‌علی (ع) در فرازهای مختلف نهج‌البلاغه به مردم خود یادآوری می‌کند که شما قبل از بعثت رسول اکرم (ص) از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی در چه وضعیتی بودید و پس از بعثت رسول خدا به چه جایگاه و مقامی در نزد جهانیان رسیدید: «ذَفَنَ اللَّهُ بِهِ الضَّغَائِنَ؛ خداوند به‌وسیله آن بزرگوار کینه‌ها را دفن کرد (خطبه ۹۶ ابن میثم، ج ۲: ۸۴۱) و «وَ أَطْفَأَ بِهِ الشَّوَائِرَ؛ و شعله‌های دشمنی را خاموش کرد» (خطبه ۹۶ ابن میثم، ج ۲: ۸۴۱) و «أَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا؛ الفت و برادری را در میان افراد مؤمن برقرار کرد» (خطبه ۹۶ ابن میثم، ج ۲: ۸۴۱) و «وَ فَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا؛ و اجتماع کفار را به‌وسیله او پراکنده کرد و از میان برد» (خطبه ۹۶ ابن میثم، ج ۲: ۸۴۱) و «أَعَزَّ بِهِ الدَّلَّةَ؛ ستمگران باعزت و شرف را خوار ذلیل» (خطبه ۹۶ ابن میثم، ج ۲: ۸۴۱) و «وَ أَذَلَّ بِهِ الْعِزَّةَ؛ و مؤمنان خوار را بدو

شرف کرامت و عزت بخشید» (خطبه ۹۶ ابن میثم، ج ۲: ۸۴۱) و «وَقَدْ بَلَّغْتُمْ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ تَعَالَى لَكُمْ مَنَزِلَةً تُكْرَمُ بِهَا إِمَاؤُكُمْ وَتُوصَلُ بِهَا جِيرَانُكُمْ وَ يُعْظَمُكُمْ مَنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ وَ يَهَابُكُمْ مَنْ لَا يَخَافُ لَكُمْ سَطْوَةً وَ لَا لَكُمْ عَلَيْهِ إِمْرَةٌ؛ در پرتو لطف خداوند متعال به مقامی رسیده‌اید که به‌خاطر آن کنیزکان شما را گرامی می‌دارند و با همسایگانتان آشنایی و پیوند برقرار می‌کنند، کسانی که شما را بر آنها هیچ برتری نیست و حقی بر آنها ندارید، برای شما تعظیم می‌کنند و آنانی که از قدرت شما باک ندارند و بر آنها دستی و سلطه‌ای ندارید از شما می‌ترسند» (خطبه ۱۰۶ ابن میثم، ج ۳: ۶۲).

امام علی (ع) در مورد پیامد تبعیت صادقانه مردم از حکومت خویش، به تحقق عدالت و اصلاح امور و آشکارشدن جلوه‌های نورانی دین اشاره می‌کند که درنهایت، مردم بر بقای این حکومت امیدوار و راضی و خرسند می‌شوند: «وَأَعْتَدْتُ مَعَالِمَ الْعَدْلِ؛ و نشانه‌های عدالت برقرار» (خطبه ۲۱۶) و «وَوَجَرْتُ عَلَى أَذْلالِهَا السُّنَنُ؛ و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پایدار گردد» (خطبه ۲۱۶) و «فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ؛ پس روزگار اصلاح شود» (خطبه ۲۱۶) و «وَطَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ؛ و مردم در تداوم حکومت امیدوار» (خطبه ۲۱۶).

در مقابل، پیامد حکمرانی سوء، نبود شفافیت و جهل مردم و حاکمیت فرومایگان خواهد بود؛ آن‌چنان‌که درمورد حکمرانی معاویه و پس‌از آن، امت اسلامی شاهد آن بودند: «أَلَا وَ إِنَّ مُعَاوِيَةَ قَادَ لَمَّةٍ مِنَ الْغَوَاةِ وَ عَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبَرَ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَغْرَاضَ الْمَنِيَّةِ؛ معاویه گروهی نادان را به دنبال خود می‌کشاند و حقیقت را از آنان می‌پوشاند. کورکورانه پی او می‌تازند تا خود را به کام مرگ دراندازند» (خطبه ۵۱). در حکمرانی سوء، ظلم ساختاری و نهادینه خواهد شد؛ چنانکه حضرت از آن به‌عنوان ترسناک‌ترین فتنه و بلا یاد می‌کند و پیش‌بینی می‌کند که در حکمرانی سوء، تمام ارزش‌های الهی و انسانی قلب خواهد شد و ضد ارزش‌ها جایگزین ارزش‌های اخلاقی الهی و انسانی خواهد شد: «أَلَا وَ إِنَّ أَحْوَفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي أُمَيَّةَ فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خَطَّتْهَا وَ خَصَّتْ بَلِيَّتْهَا وَ أَصَابَ الْبَلَاءُ مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا وَ أَخْطَأَ الْبَلَاءُ مَنْ عَمِيَ عَنْهَا؛ آگاه باشید که ترسناک‌ترین فتنه به اعتقاد من فتنه بنی

امیه است؛ زیرا آن فتنه‌ای است کور و تاریک، قلمرو فتنه آنها عمومی و بلایش اختصاصی است. فتنه بنی امیه ویژه کسانی است که بیشتر درک کنند ولی برای ناآگاهان زحمتی ندارد (بلا و فتنه بنی امیه شامل حال افراد بینا و آگاه می‌شود نه افراد کور و ناآگاه) (خطبه ۹۳ ابن میثم، ج ۲: ۸۱۴) و «وَاللّٰهُ لَا يَزَالُونَ حَتّٰی لَا يَدْعُوْا لِلّٰهِ مُحَرِّمًا اِلَّا اسْتَحْلَوْهُ وَ لَا عَقْدًا اِلَّا حَلَّوْهُ؛ به خدا سوگند! بنی امیه در ملک و سلطنت به اندازه‌ای پایدار بمانند که هیچ حرامی از احکام الهی باقی نماند جز آنکه حلالش نمایند و هیچ عهدی و پیمانی نباشد جز آنکه شکسته و نادیده‌اش بگیرند» (خطبه ۹۸ ابن میثم، ج ۲: ۸۵۹).

یکی از دغدغه‌های جدی امام‌علی(ع) در زمان حیاتش، نگرانی از به قدرت رسیدن حکمرانانی نادان و فرومایه بود و بارها این موضوع را به مردم گوشزد می‌کرد؛ زیرا آنان بندگان خدا را به بردگی می‌کشند و با فاسقان همدست و با نیکوکاران در جنگ خواهند شد (نامه ۶۲): «وَلَكِنَّنِیْ اَسٰی اَنْ یَّلیَّ اَمْرَ هَذِهِ الْاُمَّةِ سَفَهَاوُهَا وَ فُجَارُهَا فِیَّتَّخِذُوْا مَالَ اللّٰهِ دَوْلًا؛ لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، حکومت را به‌دست آورند، آنگاه مال خدا را دست‌به‌دست بگردانند (نامه ۶۲) و «وَعِبَادَةُ خَوْلًا؛ بندگان او را به بردگی کشند» (نامه ۶۲) و «وَالصَّالِحِیْنَ حَرْبًا؛ با نیکوکاران در جنگ» (نامه ۶۲) و «وَالْفَاسِقِیْنَ حِزْبًا؛ و با فاسقان همراه باشند» (نامه ۶۲).

نتایج مرتبط با پیامدسنجی حکمرانی‌های مختلف بر ساحت اجتماعی جوامع با نتایج گزارش‌شده در پژوهش‌های اردستانی، دهقان منگ آبادی و حیدری مزرعه‌آخوند (۱۳۹۹)، محمدیان خراسانی، وصالی و پناهی (۱۳۹۱) هماهنگی دارد.

سؤال فرعی دوم: ویژگی‌های اخلاق کارگزاران در نهج‌البلاغه چیست؟

نظام حکمرانی در نهج‌البلاغه شامل سه رکن است: مردم (شهروندان)، کارگزاران بخش عمومی و نظامیان و ساختار حاکمیت. در این بخش، اخلاق کارگزاران بخش عمومی و لشکریان در منظومه حکمرانی اخلاقی امام‌علی(ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد و باتوجه‌به شرایط دوران امامت امام‌علی(ع) و وجود شورش‌ها و جنگ‌ها در دوران حاکمیت ایشان، گزاره فراوانی پیرامون نظامیان

وجود دارد؛ بنابراین، این بخش به دلیل اقتضائات خاص پدیده جنگ، مجزا از بخش عمومی موردبررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

الف. اخلاق کارگزاران بخش عمومی

کارگزاران بخش عمومی آن بخش از جامعه عصر امام‌علی(ع) است که به انحای مختلف، به رفع حوائج و نیازهای مردم و دستگاه حکومتی می‌پردازند. الگوی حکمرانی که از بررسی متن شریف نهج‌البلاغه قابل استنباط است، منظومه‌ای تنیده‌شده با ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی است؛ ازاین‌رو، مباحث ساختار و فنون و ابزار حکمرانی در حاشیه این نظم ارزشی، مطرح می‌شود. هسته اصلی این نظام ارزشی، نگاه توحیدی و آخرت‌گرایانه زمامداران و متولیان امر عمومی به مقوله قدرت و اختیار است که با عنوان «امانت الهی» در فرازهای مختلف نهج‌البلاغه از آن یادشده‌است. امانت الهی بودن، مسئولیتی است که به‌عنوان یک اصل موضوعه در نهج‌البلاغه تبیین شده‌است؛ به‌عنوان مثال، امام در نامه ۴۲ نهج‌البلاغه ضمن تقدیر از عملکرد والی خود در بحرین، یکی از ویژگی‌های ممتاز او را ادای امانت برمی‌شمرد: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي قَدْ وَلَّيْتُ النُّعْمَانَ بْنَ عَجْلَانَ الزُّرْقِيَّ عَلَى الْبَحْرَيْنِ وَ نَزَعْتُ يَدَكَ بَلَاءَ لَكَ وَ لَأَ تَثْرِبَ عَلَيْكَ فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوِلَايَةَ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ فَأَقْبِلْ غَيْرَ ظَنِينٍ وَ لَأَ مَلُومٍ وَ لَأَ مُتَّهِمٍ وَ لَأَ مَأْثُومٍ؛ اما بعد، من نعمان بن عجلان زرقی را والی و حاکم بحرین گردانیدم و بدون هیچ‌گونه نکوهشی نسبت به تو، دست تو را [از حکومت] کوتاه کردم؛ البته تو خوب حکومت کردی و شرط امانت را به جای آوردی؛ پس به دور از بدگمانی و بری از سرزنش و عاری از اتهام و منزّه از گناه نزد ما بیا» (نامه ۴۲ ابن میثم، ج ۵: ۱۵۳). همچنین، امام‌علی(ع) در منشور حکومتی خود به مالک اشتر نخعی توصیه می‌کند که کارکنان اداری خود را حتماً از لحاظ امانت‌داری و تعهد به ارزش‌های الهی موردبررسی جدی قرار بده و پس از آزمودن، آن‌ها را به کار گمار: «ثُمَّ لَأَ يَكُنْ اخْتِيَارُكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَ اسْتِنَامَتِكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ فَإِنَّ الرِّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوُلَاةِ بِتَصَنُّعِهِمْ وَ حُسْنِ خِدْمَتِهِمْ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَ الْأَمَانَةِ شَيْءٌ فَأَعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَانَ فِي الْعَامَةِ أَثَرًا؛ مبادا در گزینش نویسندگان و منشیان، بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و

خوش‌باوری خود تکیه‌نمایی؛ زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و خوش‌خدمتی، نظر زمامداران را به خود جلب می‌نمایند که در پس این ظاهرسازی‌ها، نه خیرخواهی وجود دارد و نه از امانت‌داری نشانی یافت می‌شود» (نامه ۵۳). به‌طور کلی، بخشی از ارزش‌های اخلاقی جنبه عمومی دارد و فارغ از نحوه مسئولیت، تمام کارگزاران باید حدنصابی از آن را دارا باشند تا بتوانند از عهده امانتی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، برآیند؛ بنابراین، نظام‌گزینش و استخدام باید این ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی را به‌همراه مصادیق آن تعیین کند تا مجریان به‌درستی دست به انتخاب بزنند.

پس از آنکه در نهج‌البلاغه، ابعاد شناختی و اعتقادی انسان تراز اسلامی معرفی شد، امام‌علی (ع) با توجه به نوع کسب و کارها و طبقات اجتماعی، ویژگی اخلاقی گروه‌های اجتماعی را برای حاکمان و والیان خود برمی‌شمرد و نحوه حکمرانی صحیح بر آنها را تبیین می‌کند. حضرت در نامه ۵۳ ضمن برشمردن طبقات مختلف اجتماع نظیر نظامیان، بازرگانان، تجار، صنعتگران، قضات، کارگزاران امور مالیاتی و مانند آن، نقاط قوت و ضعف شخصیتی آنها را از منظر اخلاق به دقت تبیین می‌کند؛ سپس با توجه به کارکرد ایشان در اجتماع، نحوه حکمرانی بر آنها را به والیان و حاکمان گوشزد می‌کند (قربانی زاده و همکاران، ۱۳۹۹). امام در مورد ویژگی‌های قضات نالایق (جاهلان عالم‌نما) چنین می‌فرماید: «جَلَسَ بَيْنَ النَّاسِ قَاضِيًا ضَامِنًا لِيَتَخْلِيصَ مَا التَّبَسَّ عَلَى غَيْرِهِ فَإِنْ نَزَلَتْ بِهِ إِحْدَى الْمُبْهَمَاتِ هَيَّا لَهَا حَشْوًا رَئًا مِنْ رَأْيِهِ ثُمَّ قَطَعَ بِهِ فَهُوَ مِنْ لُبْسِ الشُّبُهَاتِ فِي مِثْلِ نَسْجِ الْعَنْكَبُوتِ - لَا يَذَرِي أَصَابَ أَمْ أَخْطَأَ فَإِنْ أَصَابَ خَافَ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَخْطَأَ وَإِنْ أَخْطَأَ رَجَا أَنْ يَكُونَ قَدْ أَصَابَ؛ در میان مردم، با نام قاضی به داوری می‌نشیند و حل مشکلات دیگری را برعهده می‌گیرد؛ پس اگر مشکلی پیش آید، با حرف‌های پوچ و توخالی و رأی و نظر دروغین، آماده رفع آن می‌شود. سپس اظهارات پوچ خود را باور می‌کند. عنکبوتی را می‌ماند که در شبها و بافته‌های تار خود چسبیده و نمی‌داند که درست حکم کرده یا بر خطاست؛ اگر بر صواب باشد، می‌ترسد که خطا کرده و اگر بر خطاست، امید دارد که رأی او درست باشد» (خطبه ۱۷) و در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه برخی از

معیارهای قضات راستین و در تراز حکمرانی اسلامی را چنین مشخص می کند: «ثُمَّ اخْتَرَ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ وَلَا تُمَحِّكُهُ الْخُصُومُ وَلَا يَتِمَادِي فِي الزَّلَّةِ وَلَا يَخْصُرُ مِنَ الْفَيْءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ وَلَا تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ وَلَا يَكْتَفِي بِأَذْنَىٰ فَهْمٍ دُونَ أَقْصَاهُ وَأَوْقَفَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ وَأَخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ وَأَقْلَهُهُمْ تَبَرُّمًا بِمُرَاجَعَةِ الْخَصْمِ وَأَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكْشِفِ الْأُمُورِ وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ اتِّضَاحِ الْحُكْمِ مِمَّنْ لَا يَزْدَهِيهِ إِطْرَاءٌ وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ - وَأُولَئِكَ قَلِيلٌ؛ سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد و بر اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد و طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب، با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات، از همه با احتیاط تر عمل کند و دریافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیاتر و پس از آشکارشدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده تر باشد. کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندک اند» (نامه ۵۳). واضح است که مدیران با شناخت ماهیت شغل و شاغل می توانند با رویکرد حکمرانی اخلاقی، به تعاقب اهداف حاکمیتی بپردازند و با معیار قراردادن ارزش هایی نظیر عدالت گستری، کسب رضایت عمومی، گرایش مشفقانه به عموم مردم، اصلاح روابط عمومی، از بین بردن کینه ها و عقده های اجتماعی، دوری از اتهام و سرزنش و بدگمانی در دوران مسئولیت، میزان تحقق اهداف را توزین کنند.

نتایج این پژوهش نشان می دهد که امام علی (ع) برای تحقق اهداف حکومت خود، ساختار ویژه ای را طرح ریزی نموده است که مبتنی بر ارزش های والای اخلاقی - انسانی است و پیامد اجرای صحیح آن، به تحقق انسان و جامعه سالم منجر می شود. این بخش از یافته ها با نتایج تحقیقات نورالهی و همکاران (۱۴۰۱)، قربانی زاده و همکاران (۱۳۹۹) و خاشعی و هرنیدی (۱۳۹۳) قرابت دارد.

امام(ع) علم به موضوع شناخت اخلاقیات صنوف و کارکنان بخش حکومتی را برای فرمانداران خود لازم می‌دانست؛ ازاین‌رو به مالک چنین می‌فرماید: «ای مالک! بدان که مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هریک، جز با دیگری امکان ندارد و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست» (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه). نقش کارگزاران خدمات عمومی در سعادت و شقاوت یک تمدن بسیار مهم است (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۷) و چنانچه این کارگزاران به‌درستی از بعد اخلاقی تربیت نشده‌باشند، آثار و پیامدهای مخربی را بر جامعه تحمیل می‌کنند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۸). مطابق نتایج این پژوهش، از نظر امام(ع)، اخلاق، محور و هسته اصلی ساخت انسان اداری و سازمانی است و نظام حکمرانی علوی، اصالت را به ارزش‌های اخلاقی می‌دهد تا فرهنگ بوروکراتیک و سازمانی. نتایج بعد اخلاق کارگزاران با نتایج پژوهش‌های حسین‌پور فشیان و همکاران (۱۳۹۵)، پیروزی‌ها و همکاران (۱۳۹۳)، رحمانی پاکدل و غروی (۱۳۹۴)، عبداللهی دهکی و همکاران (۱۳۹۸)، هماهنگی دارد.

ب. اخلاق لشکریان (نظامیان)

براساس شواهد و مضامین کشف‌شده در فرآیند پژوهش برای ترسیم نیم‌رخ حکمرانی اخلاقی در طبقه نظامیان، دو بعد «اعتقادات و جهان‌بینی» و «اخلاقیات» به‌عنوان مضامین فراگیر باید موردتوجه باشد. شناخت و فهم حکمرانی در طبقه نظامیان از منظر نهج‌البلاغه بدون درک صحیح از جهان‌بینی توحیدی امام‌علی(ع) امری ابتر و گاه رهزن دانش است. متن شریف نهج‌البلاغه سرشار از استشهادیهایی است که مبین جهان‌بینی علوی است و در این پژوهش، بخشی از گزاره‌ها که مرتبط با جنود اسلام است، به‌عنوان هسته اصلی ارزش‌های حکمرانی اخلاقی در نظر گرفته شده‌است؛ گزاره‌هایی نظیر ایمان به غیب، اعتقاد به نصرت الهی، ایمان به رسول و امام، شهادت‌طلبی، تسلیم اراده خدا بودن، باور به اینکه نصرت از آن خدا است و داشتن توکل و مانند آن. این باورهای اعتقادی با رسوخ در درون ساختارهای حکمرانی و اخلاقیات نظامیان، الگوی جدید و بی‌بدیلی از لشکریان الهی را ترسیم می‌کند که در تراز نظام اسلامی نبوی - علوی است؛ به‌عنوان نمونه، توصیف امام علی(ع) در مورد

اعتقادات مجاهدان صدر اسلام حاکی از آن است که ایشان تسلیم محض خداوند بوده و بدون ملاحظه کاری فقط گوش به فرمان خداوند بوده‌اند: «وَلَكِنَّا إِنَّمَا أَصْبَحْنَا نَقَاتِلُ إِخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَى مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الزَّيْغِ وَالِاغْوِجَاجِ وَ الشُّبْهِهِ وَ التَّأْوِيلِ فَإِذَا طَمَعْنَا فِي خَصْلَةٍ يَلُمُّ اللَّهُ بِهَا شَعْنَنَا وَ تَدَانِي بِهَا إِلَى الْبَقِيَّةِ فِيمَا بَيْنَنَا رَغَبْنَا فِيهَا وَ أُمْسَكْنَا عَمَّا سِوَاهَا؛ هرآینه ما با رسول الله (ص) بودیم و جنگ، هرآینه، بین پدران و فرزندان و برادران و خویشاوندان دور می‌زد. هر مصیبت و رنجی که پیش می‌آمد، جز بر ایمان ما و پای فشردن ما در راه حق و تسلیم بودن به فرمان او نمی‌افزود و بر سوزش جراحات، شکیبایی می‌ورزیدیم» (خطبه ۱۲۱).

در پژوهش حاضر، مضامین فراگیر و بنیادین اخلاقیات نظامیان در شش کد فراگیر دسته‌بندی شده‌است که عبارت‌اند از: بایدهای اخلاقی لشکریان، نبایدهای اخلاقی لشکریان، بایدهای اخلاقی فرماندهان، نبایدهای اخلاق فرماندهان، بایدهای عمومی اخلاق نظامیان، اخلاق جنگ.

اخلاقیات، پایه و اساس حکمرانی در نگاه علوی است؛ به عنوان مثال، ایشان در نکوهش رفتار آمیخته با سستی و جهل چنین می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ تَضْيِيعَ الْمَرْءِ مَا وَلَّى وَ تَكَلُّفَهُ مَا كَفَى لَعَجَزٍ حَاضِرٍ وَ رَأْيٍ مُتَبَرٍّ؛ پس از یاد خدا و درود، سستی انسان در انجام کارهایی که برعهده اوست و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است» (نامه ۶۱). ایشان در بحبوحه جنگ و کشتار نیز بر مراعات اخلاق ازسوی لشکریان خود تأکید می‌کند: «فَإِذَا كَانَتْ الْهَزِيمَةُ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا وَ لَا تُصِيبُوا مُغَوَّرًا وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ؛ اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده، نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد، آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید» (نامه ۱۴).

حوزه اخلاق پربسامدترین مفهوم را شامل می‌شود و امام علی (ع) گاه با تمسک به قرآن و گاه با بیان سنت پیامبران و نبی اکرم (ص) و گاه تاریخ، سرگذشت اقوام فاتح و مغلوب را از بعد اخلاقیات مردمان و لشکریان به زیبایی

و کمال بلاغت تشریح می‌کند. نتایج بعد اخلاق نظامیان با پژوهش‌های فروزنده و همکاران (۱۳۸۸) و حسینی و همکاران (۱۳۹۵) هم‌پوشانی دارد.

سؤال فرعی سوم: ویژگی‌های اخلاقی شهروندان در نهج‌البلاغه چیست؟

برای پاسخ به این پرسش در نهج‌البلاغه، سه بعد کلان مکشوف شده‌است که عبارت‌اند از: بعد تربیت فردی، بعد تربیت اجتماعی و بعد تربیت نقشی.

الف. بعد تربیت فردی

مضامین استخراج‌شده پیرامون مفهوم تربیت فردی را می‌توان در چهار مضمون فراگیر دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

۱. اصلاح و پرورش نفس؛
 ۲. اصلاح رابطه با پروردگار؛
 ۳. اصلاح رابطه با دنیا؛
 ۴. شناخت شیطان و حيله‌های آن.
- امام علی (ع) در راستای حکمرانی مطلوب و ساخت نظام توحیدی، ابتدا به «تربیت و پرورش اخلاقی انسان (شهروندان)» در تراز اسلام می‌پردازد و آن را از وظایف حکومت و حاکم می‌داند؛ بنابراین، در گام اول، حاکمان باید به بیداری نفوس و تربیت اخلاقی شهروندان از طریق نصیحت و پند و انداز همت گمارند تا مردم را از دام غفلت و جهل و نادانی برهانند: «أَيُّهَا النَّاسُ اسْتَضْبَحُوا مِنْ شَعْلَةٍ مِصْبَاحٍ وَاعْظُوا مَنَاصِيخًا وَامْتَحِنُوا مِنْ صَفْوِ عَيْنٍ قَدْ رُوِّقَتْ مِنَ الْكَدَرِ؛ ای مردم! چراغ دل را از شعله فروزان اندرزگویی پندنیوش بی‌فروزی و آب از چشمه زلالی که از آلودگی‌ها پاک باشد، برگیرید» (خطبه ۱۰۵) و «وَاسْتَيْقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ؛ پس بهوش باش ای شنونده و از خواب غفلت بیدار شو» (خطبه ۱۵۳).

براساس گفتمان علوی، معرفت نفس مقدمه معرفت ربّ و سرآغاز دیگر معارف و دانش‌هاست و از رهگذر این معرفت، نظام بینشی، منشی و کنشی انسان اصلاح می‌شود؛ ازاین‌رو، در نظام حکمرانی امیرالمؤمنین (ع) همه شهروندان باید قبل از پرداختن به هر موضوعی، به تربیت اخلاقی نفس خویش بپردازند و حکومت نسبت به این موضوع باید حساس و متعهد باشد. امام در فرازی از خطبه ۱۳۶ تلاش مردم را برای اصلاح خود، نوعی یاری به امام

می‌داند: «أَيُّهَا النَّاسُ أَعِينُونِي عَلَى أَنْفُسِكُمْ؛ ای مردم! برای اصلاح خودتان مرا یاری کنید» (خطبه ۱۳۶). درواقع، ایشان شهروندان را دعوت می‌کند تا قلب و باطن خویش را با تقوا و پرهیزگاری از اوساخ و ناپاکی‌های اخلاقی پاک نمایند و در این راه، با نفس خویش مماشات نکنند؛ زیرا انسان را به وادی ظلمت و تاریکی می‌کشاند: «فَمَنْ أَشْعَرَ النَّفْسِ قَلْبَهُ بَرَزَ مَهْلَهُ وَ فَارَ عَمَلُهُ فَاهْتَبَلُوا هَبْلَهَا وَ اَعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ - بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازاً لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ وَ قَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزَّيَالِ؛ هرکس پرهیزگاری را شعار قلب خویش ساخت، بر دیگران سبقت جست و عملش مایه رستگاری او شد، پس تقوا و ثمره‌های نیک آن را مغتنم شمارید و برای دست‌یافتن به بهشت، سخت کار کنید؛ زیرا دنیا برای اقامت همیشگی شما آفریده نشده، بلکه گذرگاهی است که برای شما خلق شده تا اعمال نیک در آن به جای آورید و آنها را توشه سرای همیشگی خویش سازید؛ بنابراین، در کار آخرت شتاب ورزید و مرکب‌ها را برای کوچ کردن آماده کنید» (خطبه ۱۳۲ ترجمه (ابن میثم)، ج ۳: ۲۷۶) و «وَلَا تُرَخَّصُوا لِأَنْفُسِكُمْ، فَتَذْهَبَ بِكُمْ الرَّخْصُ مَذَاهِبَ الظَّلْمَةِ؛ پس به نفس خود اجازه ندهید که وارد گناه و معصیت شود؛ چه اگر نفس اجازه گناه یابد، شما را به راه ستمکاری و ظلمت و تاریکی می‌کشاند» (خطبه ۸۶ ترجمه (ابن میثم)، ج ۲: ۵۹۵).

براین اساس، کوشش انسان باید تا آنجا ادامه یابد که به مرحله قلب سلیم برسد. این امر با غلبه بر شهوات نفسانی و هوای نفس و توجه به واجبات الهی ممکن می‌شود: «فَطُوبَى لِمَنْ قَلْبٌ سَلِيمٌ؛ خوشا به حال کسی که قلبی سالم دارد» (خطبه ۲۱۴). هرچند که امام (ع) مردم را از اخلاق شیطانی مانند فخر فروشی، کبر و تعصب حذر می‌دهد اما آنها را ترغیب می‌کند تا بر انجام کارهای نیک و خوب استمرار و تعصب ورزند: «فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمُجْدَاءُ وَ النَّجْدَاءُ مِنَ بَيُوتَاتِ الْعَرَبِ وَ يَعَاسِيِبِ الْقَبَائِلِ. بِالْأَخْلَاقِ الرَّغِيْبَةِ؛ پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو و کارهای خوب تعصب داشته باشید؛ همان افعال و کرداری که انسان‌های با شخصیت و

شجاعان خاندان عرب و سران قبایل در آنها از یکدیگر پیشی می‌گرفتند» (خطبه ۱۹۲) و «اَکْتَسَبَ مَذْخُوراً وَ اجْتَنَبَ مَحْذُوراً؛ کارهای شایسته را مرتب انجام دهید. آنچه از کارهای نیک، قابل اندوخته کردن است، برای خود اندوخته نمایید و از اعمالی که اجتناب از آن لازم است، پرهیز کنید» (خطبه ۷۴ ترجمه ابن میثم، ج ۲: ۴۴۸).

مضمون فراگیر دوم در تربیت فردی و اخلاقی شهروندان، «اصلاح رابطه با خداوند» است. در نگاه توحیدی امام علی(ع)، سرمنشأ تحول در ساختارهای تمدنی یک جامعه دینی، انسان رشید و متخلق به مکارم اخلاق است؛ بنابراین، شخص قبل از اینکه وارد صحنه مسابقه خدمت‌رسانی به مردم شود، باید به اصلاح رابطه خود با خدا پردازد: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ آن کس که خویش را پیشوای مردم نمود، باید پیش از تعلیم مردم، خود را تعلیم دهد و باید ادب آموختن او با رفتار و روشش، پیش از ادب آموختنش به زبانش باشد و آنکه آموزگار و پروردگار خود باشد، بیشتر سزاوار احترام است تا آنکه آموزگار پروردگار مردم شود» (حکمت ۷۳) و «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ؛ آن کس که میان خود و خدایش را اصلاح نماید، خدا هم آنچه را میان او و میان مردم است، اصلاح فرماید و آن کس که به سامان کار آخرتش پردازد، آفریدگار امور دنیایش را اصلاح سازد و آن کس که خودش به خودش پند و اندرز بدهد، خداوند او را در سایه حفظ و حمایتش بنهد» (حکمت ۸۹).

منظومه تربیتی امام علی(ع) ذیل مفهوم «توحید» معنا می‌یابد؛ از این رو، تأکید بر عبودیت و اخلاص در برابر ذات لایزال حضرت حق و ترس و خشیت در برابر خدا، به کرات در نهج‌البلاغه بیان شده است و همین حقیقت است که نظام تربیتی و اخلاقی اسلام را اعتبار می‌بخشد و باعث رسوخ معانی بلند اسلام در روح و جان انسان مسلمان می‌شود: «التَّقَى رَأْسُ الْأَخْلَاقِ؛ تقوا در رأس همه

ارزش‌های اخلاقی است» (حکمت ۴۱۰) و «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَ عِثْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تَنَالُ الرَّغَائِبُ فَاعْمَلُوا وَ الْعَمَلُ يُرْفَعُ؛ همانا ترس از خدا کلید هر در بسته و ذخیره رستاخیز و عامل آزادگی از هرگونه بردگی و نجات از هرگونه هلاکت است. در پرتو پرهیزکاری، تلاشگران پیروز، پروا کنندگان از گناه رستگار و به هر آرزویی می‌توان رسید. مردم عمل کنید که عمل نیکو به‌سوی خدا بالا می‌رود» (خطبه ۲۳۰).

مضمون فراگیر سوم در تربیت اخلاقی شهروندان، «نوع نگرستن به دنیا» است. ایشان مردم را از اعتماد به دنیا و زخارف آن پرهیز می‌دهد و به کفایت و قناعت در زندگی و دوری از دنیاگرایی و مال‌پرستی ترغیب می‌کند. البته در نگاه امام‌علی(ع) دنیا ذاتاً امر مذمومی نیست بلکه آنچه ناپسند است، دل‌بستن و غره‌شدن انسان به تجملات دنیا است. انسان مؤمن باید از فرصت دنیا برای رشد خود و انجام اعمال نیک بهره بگیرد: «الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا تُعَايِنُ مِنْهَا جَهْلٌ؛ به دنیا آرامش‌یافتن درحالی که ناپایداری آن مشاهده می‌شود، از نادانی است» (حکمت ۳۸۴) و «وَلَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ الْبَلَاغِ؛ در دنیا بیش‌از آنچه شما را بسنده است، نخواهید و بیش‌از آنچه به شما داده است، طلب مکنید» (خطبه ۴۵) و «خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَتَاكَ وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ؛ از دنیا آن مقدار که به تو می‌رسد، بردار و از آنچه پشت کند، روی گردان و اگر نتوانی، در جستجوی دنیا نیکو تلاش کن (و از خداوند اندازه آن درنگذر)» (حکمت ۳۹۳) و «وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا؛ و فریب زینت‌ها و نعمت‌ها را نخورید و مغرور نشوید» (خطبه ۹۹) و «الْآنَ عِبَادَ اللَّهِ وَ الْخِنَاقُ مُهْمَلٌ وَ الرُّوحُ مُرْسَلٌ فِي فَيْئَةِ الْإِرْشَادِ وَ رَاحَةِ الْأَجْسَادِ وَ بَاحَةِ الْإِحْتِشَادِ وَ مَهْلِ الْبَقِيَّةِ وَ أَنْفِ الْمَشِيَّةِ وَ إِنْظَارِ التَّوْبَةِ وَ انْفِسَاحِ الْحَوْبَةِ قَبْلَ الضَّنْكِ وَ الْمَضِيقِ وَ الرُّوْعِ وَ الزُّهُوقِ وَ قَبْلَ قُدُومِ الْعَاثِبِ الْمُتَنَتِّظِ وَ إِخْذَةِ الْعَزِيزِ الْمُقْتَدِرِ؛ بنابراین، ای بندگان خدا! هم‌اکنون که زندگانی شما ادامه دارد و روحتان آزاد است و آمادگی هدایت‌یافتن را دارید و زمان برای رستگاری مساعد و بدن‌ها سالم است و مهلت مقتضی، اراده و اختیار برقرار

می‌باشد، وقت توبه و انابه و هنگام مناسبی برای رفع نیازمندی‌هاست. در جهت خوشنودی و رضایت خداوند بکوشید؛ پیش‌از آنکه فرصت از دست برود و در مکان تنگ‌گور گرفتار آیید و خوف و ناامیدی در دلتان راه یابد و مرگ به سروقتتان برسد و خداوند غالب و توانا شما را به کیفر گناهانتان گرفتار کند» (خطبه ۸۳. ترجمه (ابن میثم)، ج ۲: ۵۶۶).

مضمون فراگیر چهارم در تربیت فردی اخلاق شهروندان، «توجه به خصومت شیطان و فریب آن» است. در نظام تربیت اخلاقی نهج‌البلاغه، شیطان موجودی حقیقی و فتنه‌انگیز است و باید نسبت به آن آگاهانه برخورد کرد؛ زیرا بدی‌ها را در چشم انسان تزیین می‌کند و انسان را به سرکشی و طغیان در برابر حق دعوت می‌کند: «أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ وَ تَجَنَّبَ مَنْ يُرْدِيهِ؛ خدای هدایتگر را اطاعت می‌کند، از شیطان گمراه‌کننده دوری می‌گزیند» (خطبه ۲۱۴) و «فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ وَ ارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ وَ مَدَّتْ بِهِ شِبَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ وَ زَيَّنَتْ لَهُ سَيِّئَ أَعْمَالِهِ؛ پس آن کس که جز به حساب نفس خویش پردازد، خود را در تاریکی‌ها سرگردان و در هلاکت افکنده است. شیطان‌ها مهارش را گرفته و به سرکشی و طغیان می‌کشاند و رفتار زشت او را در دیده‌اش زیبا می‌نمایاند» (خطبه ۱۵۷).

شیطان مظهر کبر و غرور و تعصب است؛ بنابراین، امام‌علی (ع) مردم را از این اخلاقیات بر حذر می‌دارد: «فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعْدِيَكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يَسْتَفِزَّكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يُجْلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَ رَجُلِهِ فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوْقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ وَ أَغْرَقَ إِلَيْكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ وَ رَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ فَقَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ ای بندگان خدا! از دشمن خدا پرهیز کنید! مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد و با لشکرهای پیاده و سواره خود، بر شما بتازد. به جانم سوگند! شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چله کمان گذاشته و تا حد توان کشیده و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است و خطاب به خدا گفته: پروردگارا به سبب آن که مرا دور کردی، دنیا را در چشم‌هایشان جلوه می‌دهم و همه را گمراه خواهم کرد» (خطبه ۱۹۲) و «فَعَدُّوْا لِلَّهِ إِمَامًا

الْمُتَعَصِّينَ وَ سَلَفَ الْمُسْتَكْبِرِينَ؛ پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصب‌ها و سرسلسله متکبران است» (خطبه ۱۹۲) و «فَاللّٰهُ اللّٰهُ فِیْ کِبْرِیَّهِ وَ فُخْرِ الْجَاهِلِیَّةِ فَإِنَّهُ مَلَأَ الشَّعْنَانَ وَ مَنَافِخَ الشَّیْطَانِ؛ خدا را خدا را! از تکبر و خودپسندی و از تفاخر جاهلی برحذر باشید؛ که جایگاه بغض و کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی است» (خطبه ۱۹۲).

ب. بعد تربیت اجتماعی

بحث اخلاق شهروندان از بعد اجتماعی ناظر بر تنظیم روابط بین افراد در مقام یک فرد و تعامل شهروند، دوست، همسایه، خویشاوند، واجبات الهی و دینی، رسیدگی به قشر ضعیف و محیط‌زیست است. در این راستا، امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه، شاخص‌های رفتار اخلاقی را برای شهروندان برمی‌شمرد؛ مانند حق‌گرا بودن، نیکوکار بودن، ستمگر نبودن، اهل بصیرت بودن، به دنبال دانش و آگاهی بودن، اهل انفاق بودن، غیبت نکردن، مردم‌داری کردن، فروتن بودن، عزت داشتن، حفظ آبروی افراد، حسن خلق، سخن‌چین نبودن، استغنا طبع داشتن، نظم در امور، رعایت ادب، عیب‌جویی نکردن، میانه‌رو بودن، خوش‌رویی، گذشت، عجز نبودن و پرهیز از حسادت. ایشان در ارتباط با دیگران و عموم مردم به شاخص‌های ذیل اشاره می‌کند: حفظ حرمت افراد، اعتمادسازی، اهل تقدیر از احسان بودن، پرهیز از مواضع تهمت، دشمنی نکردن با یکدیگر، دغل‌باز نبودن، سستی نکردن در امور، وفای به عهد، عدالت‌ورزی، امانت‌داری، لجوج نبودن و جدال نکردن با مردم. همچنین، در ارتباط با وظیفه افراد با امر قدسی و موازین دینی، تأکید ایشان بر ویژگی‌های ذیل است: اهل بدعت ناروا در دین نبودن، آمر به معروف و ناهی از منکر بودن، دین‌فروشی نکردن، استقامت در امر دین، اهل حرام و حلال بودن، توجه به محرمات الهی و پیروی از سنت پیامبر (ص). در جایگاه رفاقت و دوستی، ایشان بر رعایت آیین دوست‌داری، هم‌نشینی با صالحان و اعتدال در دوستی تأکید می‌کند و بر توجه بر قشر ضعیف جامعه، دفاع و حمایت از مظلوم و احترام به همسایه نیز تأکید دارد.

بعد اجتماعی تربیت اخلاقی شهروندان، در حکمرانی اخلاقی، جلوه بیرونی ارزش‌های یک جامعه است که حکمرانان باید نسبت به آن، اهتمام ویژه‌ای مبذول دارند؛ به‌عنوان مثال، حضرت علی(ع) مردم را به انس و دوستی و پرهیز از دشمنی و جدال فرامی‌خواند تا ارزش‌های جامعه دینی از بین نرود: «وَلَا تَبَاغُضُوا فِیْهَا الْحَالِقَةَ؛ با یکدیگر دشمنی نکرده و نسبت به هم خصمناک نباشید؛ زیرا دشمنی مانند تیغ سلمانی که موها را می‌تراشد، خیرات و صلح‌رحم را زدوده و از بین می‌برد» (خطبه ۸۶ ترجمه (ابن میثم)، ج ۲: ۵۹۶) و «مَنْ ضَنَّ بِعِرْضِهِ فَلْيَدْعِ الْمِرَاءَ؛ هر کس که از آبروی خود بیمناک است، از جدال پرهیزد» (حکمت ۳۶۲) و «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَغْنِي الرَّجُلُ وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ عِزَّتِهِ وَدِفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَالْإِسْتِثْمَانِ وَهُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَالْمُهِمُّ لِسَعَتِهِ وَاعْظُمُ عَلَيْهِمْ عِنْدَ نَزْلِهِ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ؛ ای مردم! انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او، پرعاطفه‌ترین مردم هستند» (خطبه ۲۳).

ج. بعد تربیت نقشی شهروندان

در تنظیم رفتار اخلاقی شهروندان، در نهج‌البلاغه گزاره‌هایی وجود دارد که افراد را بر مبنای نقشی که در جامعه دارند، در گروه‌های خاصی قرار می‌دهد و ویژگی اخلاقی آنها را تشریح می‌کند. البته منظور از نقش در این بخش، نقش‌های غیرشغلی و حرفه‌ای است. امام(ع) در بخش‌های گوناگون نهج‌البلاغه، به تبیین و تشریح اخلاق ثروتمندان، دانشمندان، زهاد، مؤمنان، یاران صدیق پیامبر، زنان، پرهیزکاران، اهل ذکر، فرزندان و گروه منافقان می‌پردازد؛ به‌عنوان مثال، در مورد ویژگی ثروتمندان، ایشان بر دست‌گشاده داشتن برای نزدیکان و مستمندان تأکید دارد: «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ؛ دست سخاوتمندی ندارد آن کس که از بخشش در راه خدا بخل می‌ورزد. آن کس که خدا او را مالی بخشید، پس باید به خویشاوندان خود بخشش نماید» (خطبه ۱۴۲) و «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا

بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛ همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده‌است؛ پس فقری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (حکمت ۳۲۸).

نتایج این بخش با نتایج پژوهش‌های دبستانی و همکاران (۱۳۹۷)، در بعد تربیت فردی هم‌پوشانی دارد. در بعد اجتماعی نیز نتایج این پژوهش با پژوهش رضائی و همکاران (۱۳۹۵) هم‌پوشانی دارد و در بعد تربیت نقشی، نتایج این پژوهش با پژوهش باقری، فتاحی زاده و جانی پور (۱۳۹۸) هماهنگی دارد.

سؤال فرعی چهارم: معیارهای اخلاقی الگوی ارتباطی بین حکمرانان و شهروندان در نهج البلاغه چیست؟

ماهیت روابط در ساختار حکمرانی، یکی از مباحث مهم و کلیدی در شکل‌دهی به نظام حکمرانی است و امام‌علی(ع) در نهج البلاغه به‌طرز ظریفی، جریان تعامل مردم و حاکمان را تشریح می‌کند. دو مضمون فراگیر در این بخش استخراج شده‌است که عبارت است از روابط در حکمرانی علوی و روابط در حکمرانی سوء. در ساختار و روابط حکمرانی علوی که مبتنی بر رعایت اخلاق اسلامی است، شاخص‌هایی نظیر احترام متقابل مردم و حاکمان به حق یکدیگر، گسترش عدالت، عزت و تبلور کرامت انسانی در جامعه و مردم را می‌توان برشمرد. «حق‌مدار بودن ارتباطات» هسته اصلی حکمرانی اخلاقی را تشکیل می‌دهد؛ چنانچه حضرت‌علی(ع) از آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین حقوق الهی نام می‌برد: «وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَاماً لِبَلَدِهِمْ وَ عِزّاً لِدِينِهِمْ؛ و در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است؛ حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرارداد» (خطبه ۲۱۶).

در نقطه مقابل این رویکرد، ما با رویکرد حکمرانی سوء مواجهه هستیم که با نگاه از بالا به پایین با مردم تعامل می‌کند و با تعرض به حقوق الهی و انسانی

مردم، نوعی ارتباط برده - ارباب را به‌نمایش می‌گذارد که در آن ظلم به زیردست، نهادینه شده‌است. امام این ویژگی را در حکومت معاویه، به‌عنوان نماد عینی یک حکمرانی سوء، این‌گونه بیان می‌کند: «لَا يَزَالُونَ بِكُمْ حَتَّىٰ لَا يَتْرُكُوا مِنْكُمْ إِلَّا نَافِعًا لَهُمْ أَوْ غَيْرَ ضَائِرٍ بِهِمْ وَلَا يَزَالُ بِلَاؤُهُمْ عَنْكُمْ حَتَّىٰ لَا يَكُونَ انْتِصَارُ أَحَدِكُمْ مِنْهُمْ إِلَّا كَانَتْصَارِ الْعَبْدِ مِنْ رَبِّهِ وَالصَّاحِبِ مِنْ مُسْتَضْحِيهِ؛ با شما چنین برخورداری دارند و از شما کسی باقی نگذارند جز آن کس که برای آنها سودمند باشد یا آزاری بدان‌ها نرساند و بلای فرزندان بنی امیه، بر شما طولانی خواهدماند؛ چندان که یاری خواستن شما از ایشان چون یاری خواستن بنده باشد از مولای خویش یا تسلیم‌شده از پیشوای خود» (خطبه ۹۳ ترجمه (ابن میثم)، ج ۲: ۸۱۴).

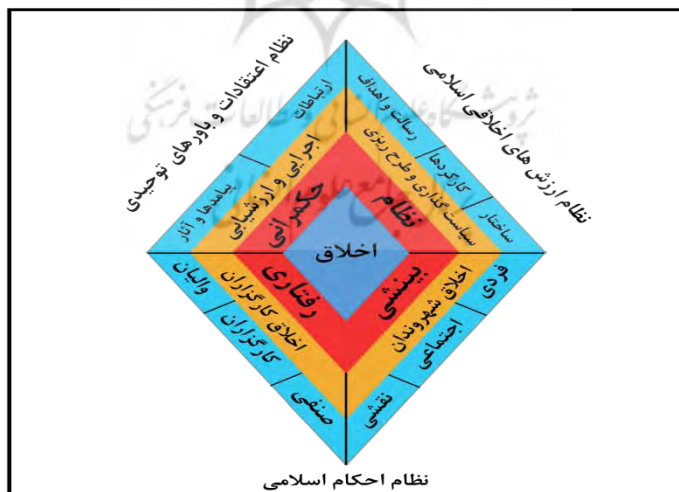
در صورت تحقق فرهنگ پای‌بندی به حقوق توسط حاکمان و شهروندان، جامعه به قله‌های عزت دست خواهدیافت و خیرخواهی برای مردم توسط حاکمان و اطاعت و پیروی همراه با اعتماد و خلوص توسط مردم، به امری شایع و جاری در نظام حکمرانی تبدیل خواهدشد: «فَإِذَا أَذَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَذَى الْوَالِي إِلَىٰهَا حَقَّهَاغَرَ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ؛ و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد» (خطبه ۲۱۶) و «وَ إِنْ فِي سُلْطَانِ اللَّهِ عِصْمَةً لِأَمْرِكُمْ فَأَعْطُوهُ طَاعَتَكُمْ غَيْرَ مَلُومَةٍ وَلَا مُسْتَكْرَهٍ بِهَا وَ اللَّهُ لَتَفْعَلَنَّ أَوْ لَيَنْقُلَنَّ اللَّهُ عَنْكُمْ سُلْطَانَ الْإِسْلَامِ ثُمَّ لَا يَنْقُلُهُ إِلَيْكُمْ أَبَدًا حَتَّىٰ يَأْرَزَ الْأَمْرُ إِلَىٰ غَيْرِكُمْ؛ بنابراین، زمام امور خود را بی آنکه نفاق ورزید یا کراهتی داشته باشید، به دست امام خود سپارید. به خدا سوگند! اگر در پیروی از حکومت و امام، اخلاص نداشته باشید، خدا دولت اسلام را از شما خواهدگرفت که هرگز به شما باز نخواهدگردانید و در دست دیگران قرار خواهدداد» (خطبه ۱۶۹)؛ بنابراین، حاکم در نگاه حکمرانی اخلاقی، باید بخشی از وقت خود را برای ارتباط رودررو با مردم قرار دهد تا مستقیم در جریان امور مردم قرار گیرد: «وَ اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا غَامًّا؛ پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا

شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین» (نامه ۵۳). نتایج بعد ارتباطات با نتایج پژوهش عارفی (۱۳۹۵) هماهنگی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش تبیین الگوی حکمرانی اخلاقی در نهج البلاغه با روش حکمی - اجتماعی بوده است. براساس راهبرد حکمی - اجتهادی، محقق برای انجام یک پژوهش علمی باید سه گام را به صورت منسجم و نظام‌مند طی کند: گام اول، کشف الگو و روابط بین مضامین که به صورت مبسوط در بخش کد گذاری به آن پرداخته شده است؛ گام دوم، شناخت و ارزشیابی امر واقع براساس نتایج گام اول که ما در این بخش با ارائه الگوهای حکمرانی اخلاقی به آن پرداخته‌ایم؛ گام سوم، فهم پدیده مورد بررسی که بخشی از آن در ذیل بحث قبلی و بخشی در این قسمت مطرح شده است.

در این بخش، پژوهشگر با ترکیب و ادغام ابعاد کلان پاسخ‌های مربوط به پرسش‌های فرعی پژوهشی، اقدام به نگاشت الگوی حکمرانی اخلاقی در قالب شکل ۲ کرده است. داده‌های این الگو، برگرفته از ابعاد کلان هر پرسش و براساس راهبرد حکمی - اجتهادی است.



شکل ۲. الگوی حکمرانی اخلاقی در نهج البلاغه

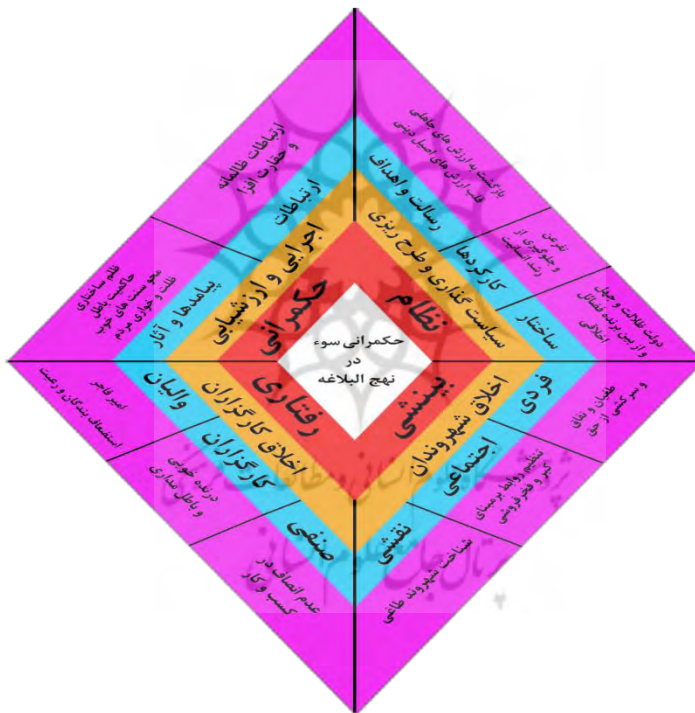
الگوی حکمرانی اخلاقی به دست آمده از پژوهش در بستر باورها و اعتقادات توحیدی، ارزش‌های اصیل اخلاقی اسلام و احکام دین اسلام نضج گرفته است. اخلاقیات به دو بعد بینش - رفتار افراد و نظام (سیستم) حکمرانی جهت می‌بخشد. الگوی حکمرانی اخلاقی بر پایه ساخت اخلاقی سه رکن حکمرانی - یعنی شهروندان، کارگزاران حکومتی و ساخت نظام رسمی حکمرانی (سیاست‌گذاری و اجرا) - عینیت می‌یابد. بی‌شک، بن‌مایه شکل‌گیری حکمرانی اخلاقی، ساخت انسان اخلاقی است. در الگوی حکمرانی اخلاقی، این انسان گاه در نقش یک فرد و شهروند و گاه یک فعال اجتماعی و کارگزار حکومتی حضور دارد. امام‌علی (ع) در فرازهای فراوانی از نهج‌البلاغه این دو ساحت را با ویژگی‌های جزئی آن توصیف کرده است. ساحت سوم در الگوی حکمرانی اخلاقی، ناظر بر رسمیت‌بخشیدن به جریان حکمرانی فراتر سطح فردی آن است و بر ماهیت خط‌مشی‌گذاری و ساختار اجرایی آن تأکید می‌کند.

راهبرد اصلی حکمی - اجتهادی، شناخت انسان محقق و ترسیم انسان مطلوب و نمایش مسیر رسیدن از انسان محقق به مطلوب است. موضوع این پژوهش، شناخت الگوی حکمرانی اخلاقی در نهج‌البلاغه بود و مضامین به دست آمده از متن نهج‌البلاغه، دو الگوی حکمرانی مطلوب (علوی) و نامطلوب (اموی و غیرتوحیدی) را ترسیم می‌کند. براساس رویکرد حکمی - اجتهادی، این دو نوع حکمرانی را می‌توان به عنوان الگوی محقق (حکمرانی سوء) (شکل ۳) و الگوی مطلوب (حکمرانی اخلاقی) (شکل ۴) تصور نمود.

به طور کلی، حکمرانی مستخرج از نهج‌البلاغه، شامل دو بعد کلان رفتاری - بینشی و نظام (سیستم) حکمرانی است. این دو بعد کلان، با تعریف شریعتی (۱۳۹۹) از حکمرانی تطابق دارد؛ درضمن، ماهیت این حکمرانی حکایت از تنظیم روابط بین شهروندان و حاکمان دارد.

در بعد رفتاری - بینشی، به مفاهیم اعتقادی و کنش‌های اخلاقی (رفتاری، بینشی و منشی) پرداخته می‌شود. این بعد شامل اخلاقیات شهروندان و کارگزاران و حکمرانان است. نکته قابل تأمل در این بخش، درهم‌تنیدگی اعتقادات با رفتار اخلاقی در منظومه فکری امام‌علی (ع) است.

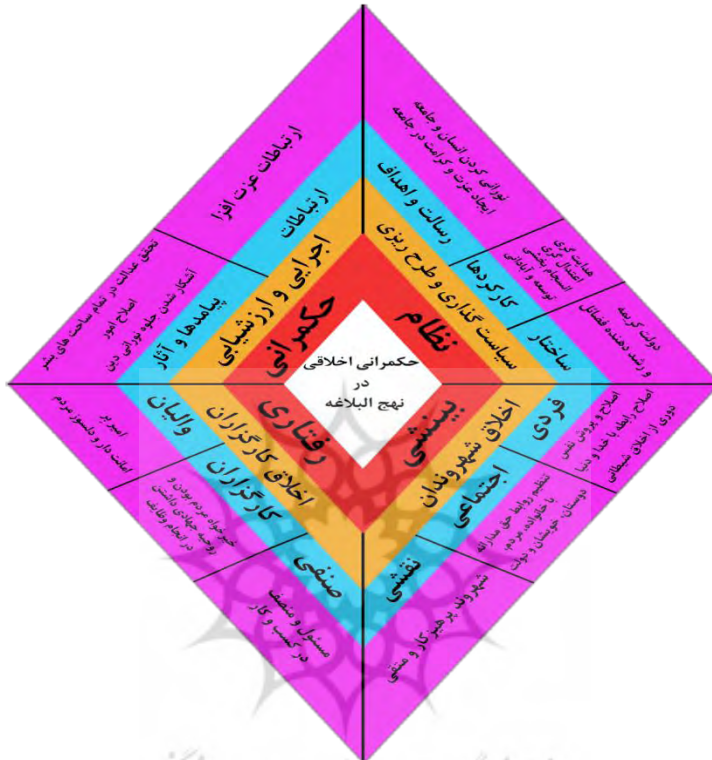
بعد نظام (سیستم) حکمرانی بر روی ساختار، کارکردها و وظایف حکومت، اهداف و رسالت و ارتباطات و پیامد و آثار نظام حکمرانی تمرکز دارد. در حکمرانی سوء (بد) که امام‌علی(ع) نماد آن را حکمرانی معاویه معرفی می‌کند، نظام حکمرانی بر پایه جهل و ضلالت بنا شده‌است. ارزش‌های غیرالهی و ضدانسانی در ساختار حکمرانی نهادینه شده‌است و با کارکرد طاغوتی و فرهنگ فرعون، رشد و تعالی شهروندان مختل می‌شود. در این نظام، شاهد رفتارهای نفاق‌آلود و طغیان و سرکشی انسان‌ها و کارگزاران هستیم. شکل ۳ حکمرانی سوء را تشریح کرده‌است.



شکل ۳. ابعاد الگوی حکمرانی سوء (محقق) در نهج البلاغه

در مقابل الگوی حکمرانی سوء، امام‌علی(ع) در نهج‌البلاغه حکمرانی مطلوب را نیز ترسیم نموده‌است که مبتنی بر اخلاق اسلامی و نبوی است. حکمرانان در این نوع از حکومت، در پی رشد فضایل انسانی و افزایش کرامت و عزت

شهروندان هستند و در نهایت، پیامد این نحوه حکمرانی، نورانی شدن جامعه انسانی است. براین اساس، بعد رفتاری - بینشی جامعه تبلور تقوا، محبت افراد نسبت به هم‌نوعان است. ابعاد الگوی حکمرانی در شکل ۴ تشریح شده است.



شکل ۴. ابعاد الگوی حکمرانی اخلاقی (حکمرانی مطلوب) در نهج البلاغه

امام علی (ع) در فرازهای مختلف نهج البلاغه، راهکار تحقق حکمرانی مطلوب را در رجعت به ارزش‌های قرآنی و نبوی معرفی کرده است.

پیشنهادهای

نتایج این پژوهش برای حوزه قانون‌گذاری کشور قابل استفاده است. این نظریه می‌تواند جریان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را با رویکرد معنوی و اخلاقی در سطح حاکمیت و سازمان‌ها متحول کند. پیشنهاد می‌شود مرکز پژوهش‌های مجلس و پژوهشگاه‌های علوم انسانی و اجتماعی با ایجاد کرسی‌های

نظریه‌پردازی و دعوت از اساتید و خبرگان حوزه‌های مرتبط با حکمرانی، ابعاد این نظریه را تشریح، تبیین و تصحیح نمایند. مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، باتوجه به مأموریت ذاتی خود می‌تواند از این نظریه در تدوین دستورکارهای مرتبط با ساخت شاخص‌های مرتبط با حکمرانی اصیل و بومی استفاده کند و بخشی از جریان پژوهش‌های خود را براساس ابعاد نظریه حکمرانی اخلاقی راهبری کند. همچنین، باتوجه به ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب از سوی مقام معظم رهبری و تأکید این بیانیه بر معنویت و اخلاق در سطح جامعه و حکمرانی، می‌توان از این الگو در طرح‌ریزی ساختار منشورهای اخلاقی نظام در تمام حوزه‌های اداری و دولتی استفاده کرد. در حوزه آموزش‌های نظری و دانشگاهی، نتایج این پژوهش می‌تواند باعث تلطیف رویکردهای ساختارگرایانه به امر مدیریت دولتی و در سطح کلان حکمرانی امر عمومی بشود.

سیاسگزاری

این پژوهش از حمایت مالی برخوردار نشده است اما نویسنده بر خود لازم می‌داند تا از ریاست محترم سابق مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و اعضای هیئت علمی گروه مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی (ره) به دلیل همکاری‌های علمی برای دستیابی به اطلاعات لازم به‌منظور تدوین این مقاله قدردانی کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- رضی، سید شریف. (۱۳۹۷). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. چاپ اول. تهران: آثار فرهنگ برتر.
- ابن میثم بحرانی. (۱۴۱۷). شرح نهج البلاغه ابن میثم. ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.
- اردستانی، سید عارف (۱۳۹۹). تشکیلات دولت اسلامی در دوران زمامداری امام علی(ع). [پایان نامه کارشناسی ارشد] دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده الهیات.
- باقری، زهرا (۱۳۹۸). تحلیل محتوای وصایای امام علی(ع) به فرزندان خود در نهج البلاغه [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه الزهرا (س).
- پیروز نیا، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اخلاق حاکمان و مدیران بر اخلاق شهروندان در شکل گیری عدالت اجتماعی (از منظر نهج البلاغه). [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه پیام نور استان تهران: دانشکده علوم انسانی.
- دبستانی، طیبیه السادات (۱۳۹۷). اولویتهای اخلاقی نهج البلاغه در حوزه اخلاق اجتماعی [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.
- دری نوگورانی، حسین. (۱۴۰۱). بازپژوهی انتظام ملی؛ چیستی و چگونگی در جهت نظریه پردازی. نشریه علمی مطالعات راهبردی ناجا، ۷(۴)، ۳۱-۵.
- doi: 20. 1001. 1. 25381946. /ssj. 2023. 100447
- حسین پور فشیان، مهرعلی. (۱۳۹۵). پژوهشی درباره اخلاق حرفه ای در نهج البلاغه. [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: دانشکده علوم قرآنی میبد.
- حسینی، سید شهاب الدین (۱۳۹۵). تحلیل اصول انسانی حاکم بر نبرد ازمنظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مقایسه آن با عصر مدرن. [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه قرآن و حدیث.

- حیدری، محمدرضا؛ کریمی زند، مهدی؛ کرامتی، محمدعلی؛ آرایبی، وحید؛ و موسوی، سید عبدالله امین. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر حکمرانی نوین مبتنی بر کارکردهای هوش مصنوعی (مورد مطالعه: فرماندهی انتظامی ج.ا.ا.). نشریه علمی مطالعات راهبردی ناجا، ۹(۲)، ۱۶۷-۱۹۸.
- DOR: 20, 1001,1,25381946/SSJ.2021,96583
- خاشعی، وحید؛ هرندی، عطاءالله. (۱۳۹۳). تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵(۲)، ۸۵-۱۱۰.
- <https://ensani.ir/fa/article/340626>.
- خسروپناه دزفولی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). درآمدی بر الگوی حکمی و اجتهادی علوم اجتماعی اسلامی. تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱۳(۴)، ۷-۳۶.
- <http://frh.sccsr.ac.ir/article-1-97-fa.html>
- دباغ، سروش؛ و جاسبی، جواد. (۱۳۸۵). جایگاه گزاره‌های اخلاقی در نظام تصمیم‌گیری سازمانی نمونه‌سازی تصمیم‌گیری اخلاقی مبتنی بر دستگاه راس (با تأکید بر حوزه علوم و فناوری در سازمان). فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۱(۱)، ۳۵-۴۵.
- <https://ensani.ir/fa/article/143780>
- رحمانی پاکدل، زهرا. (۱۳۹۴). اصول اخلاقی مدیریت با تکیه بر گفتار امام‌علی(ع) در نهج‌البلاغه. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- رضائی، سهیلا (۱۳۹۵). مبانی و اصول اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی - دانشکده الهیات.
- سبزی، منیژه؛ محمدی مقدم، یوسف؛ محمدیان ساروی، محسن؛ نفری، ندا؛ و شیخ‌الاسلامی کندلوسی، نادر. (۱۴۰۳). ارائه الگوی هوشمندسازی سازمانی با تأکید بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب. نشریه علمی مطالعات راهبردی ناجا، ۹(۲)، ۱۶۶-۱۳۳.

- شریعتی، مسعود، قربانی زاده، وجه الله، رضایی منش، بهروز، و خسروپناه دزفولی، عبدالحسین. (۱۳۹۹). حکمرانی اخلاقی در بخش عمومی از دیدگاه نهج البلاغه. فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۸(۴)، ۸۵-۱۱۸.

Doi: DOR:20.1001.1.23455888.1399.8.4.4.5

- عارفی، یوسف (۱۳۹۵). اعتماد اجتماعی در نهج البلاغه (عوامل... و کارکردها). [پایان نامه کارشناسی ارشد]. جامعه المصطفی العالمیه قم.
 - عبداللهی دهکی، محمد. (۱۳۹۸). شاخصه‌های اخلاقی مدیریتی کارگزاران نظام علوی و پیامدهای اجتماعی آن. [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره): دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی.
 - فروزنده، صدیقه (۱۳۸۸). اخلاق در جنگ از منظر امیرمومنان (علیه السلام). [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشکده علوم حدیث قم.
 - فرقانی، یونس. (۱۳۹۴). مؤلفه‌های حکمرانی بد در قرآن؛ مطالعه موردی: مؤلفه‌های حکمرانی فرعون در بیان قرآن. [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه امام صادق علیه السلام: دانشکده مدیریت و معارف اسلامی.
 - قربانی زاده، وجه الله؛ شریعتی، مسعود؛ رضایی منش، بهروز؛ و خسروپناه دزفولی، عبدالحسین. (۱۳۹۹). حکمرانی اخلاقی براساس نوع شناسی طبقه نظامیان از دیدگاه نهج البلاغه. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۵(۴)، ۶۴۳-۶۶۶.
- http://pmsq.jrl.police.ir/article_94846.html
- مصباح، مجتبی (۱۳۹۵). فلسفه اخلاق. تهران: موسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی (ره).
 - محمدیان، محمدتقی. (۱۳۹۱). شاخص‌های وحیانی حکمروایی خوب. مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری. جلد اول. تهران: تیسرا.
 - نورالهی، مریم؛ پورعزت، علی اصغر؛ لسانی فشارکی، محمد علی؛ و اسمعیلی گیوی، محمدرضا. (۱۴۰۱). مولفه‌های حکمرانی اخلاقی در پرتو قرآن کریم. مدیریت اسلامی، ۳۰(۴)، ۲۱۹-۲۴۹.

DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516980.1401.30.4.6.1>

- Anthony Makrydemetres (2002). Dealing with ethical dilemmas in public administration: the 'ALIR' imperatives of ethical reasoning. International Review of Administrative Sciences [0020-8523(200206)68: 2] Copyright © 2002

- IIAS. SAGE Publications (London, Thousand Oaks, CA and NewDelhi), Vol. 68 (2002), 251–266; 024080
- Ari Salminen (Editor)(2010)Ethical GovernanceA Citizen PerspectiveVAASAN YLIOPISTON JULKAISUJA
 - Chung- wen Chen, Kristine Velasquez Tuliao, John B. Cullen, Yi- Ying Chang(2016). Does gender influence managers' ethics? A cross-cultural analysis. Business Ethics: A European ReviewVolume 25, Issue 4. t: <https://www.researchgate.net/publication/303503007>
 - Deborah G. Johnson(2005) Computer Ethics. Hand book: A Companion to Applied Ethics. Book Editor(s): R. G. Frey Christopher Heath Wellman. Copyright © 2005 by Blackwell Publishing Ltd
 - Gede Wahyu Wicaksana(2019). The Consequence of Ethical Criticism of Intelligence on Countering Terrorism in Indonesia. Asian Politics & PolicyVolume 11, Issue 1. <https://doi.org/10.1111/aspp.12433>
 - James A. Brickley&Clifford W. Smith&Jerold L. Zimmerman(2005). CORPORATE GOVERNANCE, ETHICS, AND ORGANIZATIONAL ARCHITECTURE. Journal of Applied Corporate FinanceVolume 15, Issue 3. : <https://www.researchgate.net/publication/227374074>
 - Larue Tone Hosmer (1994). STRATEGIC PLANNING AS IF ETHICS MATTERED. Strategic Management Journal, Vol. 15, 17-34. <https://www.jstor.org/stable/2486874>
 - Malcolm Schofield(2006)chapter Aristotle's Political Ethics. Aristotle's Nicomachean Ethics. Editor(s): Richard Kraut. Copyright © 2006 Blackwell Publishing Ltd
 - Meini Han&Han Lin&Jiangyan Wang&Yunzhen Wang&Wan Jiang(2019). Turning corporate environmental ethics into firm performance: The role of green marketing programs. Business Strategy and the Environment. <https://ideas.repec.org/a/bla/bstrat/v28y2019i6p929-938.html>
 - OGBAKI, Peter Emmanuel (2020). LEADERSHIP AND GOOD GOVERNANCE IN NIGERIA: PERSPECTIVES FROM IGWEBUIKE PHILOSOPHY. Tolle Lege: An Augustinian Journal of Philosophy and Theology. Vol. 2. No. 1. 2020. ISSN: 2672-5010 (Online) 2672-5002 (Print)
 - Nathan Emmerich&Zachary M Schrag&Laura Stark&Will C van den Hoonaard(2013). Between the accountable and the auditable: Ethics and ethical governance in the social sciences. Research Ethics9(4) 175–186© The Author(s) 2013Reprints and permissions: sagepub. co. uk/journalsPermissions. navDOI: 10.1177/1747016113510654 rea. sagepub. com by Routledge. 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX14 4RN
 - Tommi Lehtonen(2010). ETHICAL GOVERNANCE FROM A CITIZEN'S POINT OF VIEW: A CARE-ETHICAL APPROACH. University of Vaasa

Faculty of Philosophy Public Management P. O. Box 700FI-65101 Vaasa
Finland

- Todd Biske (2008) SOA Governance The key to successful SOA adoption in your organization. IRMINGHAM – MUMBAI. packt publishing
- Yasa, Tamyko, Albareda, Adria and Forberger, Sarah (2014), What is governance, publisher alicerap, pp 8-16
- World Development Report 2017 Governance and the Law.
<https://www.worldbank.org/en/publication/wdr2017>
- World Development Report. GOVERNANCE ASSESSMENTS' EVALUATION AND REVIEW Final Report. November 30, 2012

